

نگرش به انگارهٔ هنجارین شهروندی "شهروند خوب" کیست؟

ملیحه شیانی*، فاطمه صدیقی**

(تاریخ دریافت ۹۳/۰۹/۰۴، تاریخ پذیرش ۹۴/۱۰/۰۹)

چکیده: شهروندی علاوه بر منزلت یا پایگاهی اجتماعی، نقشی اجتماعی نیز می‌باشد که کنشگران برمبنای چگونگی درک و ایفای آن بر منزلتی که بستر عملشان بوده است تأثیر می‌گذارند. نقش شهروندی، مانند هر نقش اجتماعی دیگر، از هنجارهایی تشکیل شده است که به حقوق و تکالیف مستتر در آن شکل می‌دهند. نوع نگرش به این هنجارها در تثبیت شکل خاصی از منزلت شهروندی در هر جامعه‌ای مؤثر است. در این کار برای نگاه از دریچه‌ای هنجاری به مفهوم شهروندی، با غور در ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی موضوع، انگاره‌ای هنجارین از شهروندی پرداخته شده است. به این منظور نقش شهروندی به دو پارهٔ حقوق و تکالیف تقسیم شده و سپس سه گروه هنجاری اخلاقی، اجتماعی، و قانونی در این نقش شناسایی شده‌اند. پس از ساخت انگارهٔ مزبور، به بررسی این پرسش پرداخته شده که «نگرش شهروندان جامعهٔ ما به انگارهٔ ساخته شده چگونه است؟» و در واقع «شهروند خوب از نظر جامعهٔ ما کیست؟» روش کار پیمایش بوده که به کمک ابزار پرسش‌نامه در جامعهٔ آماری شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران، با حجم نمونه‌ای معادل ۴۰۱ پاسخ‌گو، انجام یافته است. نتایج

*. دانشیار گروه برنامه ریزی اجتماعی^۱ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

mshiani@ut.ac.ir

sedighifatemeh@yahoo.com

** کارشناس ارشد برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه تهران

حاصل شده حاکی از آن است که در سطح هنجارهای قانونی، به عنوان نخستین سطح هنجاری، شاهد بالاترین اقبال هستیم و در سطح هنجارهای اخلاقی، که ناظر به تثبیت ارزش‌های دموکراتیک در اذهان شهروندان است، پایین‌ترین میزان نگرش مثبت را دارا می‌باشیم. این امر جامعه ما را، به لحاظ هنجاری، به الگوی کشورهای اروپای شرقی نزدیک می‌کند.

مفاهیم کلیدی: انگاره هنجارین شهروندی، حقوق و تکالیف شهروندی، شهروندی خوب، شهروندی فعال.

مقدمه و طرح مسأله

امروزه شهروندی تبدیل به منزلتی اساسی برای حیات سیاسی و اجتماعی جوامع شده است. به جرأت می‌توان گفت که شهروندی با مرکزیت مفهوم شمول در ذات آن، شمولی که خود را در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسط می‌دهد، جزئی جدایی‌ناپذیر از دموکراسی‌های مدرن شده است؛ جزئی که به بهترین شکل رابطه ساختار و عاملیت را در قالب، همزمان، منزلتی تثبیت‌شده به مثابه بستر کنش‌های فرد (شهروند) و کنش‌های تغییردهنده منزلت مزبور از جانب وی نشان می‌دهد (گیدنز، ۱۳۸۱: ۳۴۱). از این رو، شهروندی را در جوامع و زمان‌های مختلف می‌توان، بر مبنای این قابلیت، از دو زاویه متفاوت به بازخوانی و تحلیل نشست. در یک نگاه می‌توان آن را به مثابه منزلتی تعریف و تثبیت شده در قوانین کشورها دید و فرآیند تحقق آن را قضاوت کرد و همزمان می‌توان آن را، آن‌سان که هست و آن‌سان که باید باشد، در ذهن کنشگران جامعه بررسی نمود. نگاه دوم برآمده از امکان تغییری (رشد و نزولی) است که منزلت شهروندی بر مبنای کنش‌های عاملان اجتماعی در خود داراست.

در مطالعات شهروندی متأخر، هنجارهای تثبیت شده در اذهان شهروندان و نحوه ایفای نقش شهروندی توسط آنان در جوامع مختلف، با منزلت‌های شهروندی متفاوت در آن‌ها، اهمیت خاصی یافته است. چرا که به فرض تثبیت کامل و قانونی یک منزلت فراگیر شهروندی در جامعه‌ای در صورت بسط نیافتن هنجارهای برابری خواهانه یا هنجارهای ضروری دیگر شاهد افول شمول تثبیت‌شده و به بیان پارسونز شکل‌گیری دوباره شهروندی درجه دوم در متن جامعه خواهیم بود. اهمیت هنجارها و کنشگری شهروندان در جوامعی که به طور ساختاری با نقایصی در بسط منزلت مزبور روبه‌رو هستند دیگر پیشاپیش روشن است. به این ترتیب از آنجا که "تنش بین منزلت قانونی و پروژه هنجاری شهروندی رشدیافته و منزلت قانونی عدم کفایت خود را نشان داده است" (ساسن، ۲۰۰۹: ۲۳۸) و هنجارهای شهروندی هر روز بیشتر به عنوان بایسته اجتماعی دموکراسی مطرح می‌شوند مطالعه هنجاری شهروندی به اولویتی پژوهشی تبدیل شده است.

بر مبنای نظریه‌های متفاوت در ادبیات علوم اجتماعی و سیاسی می‌توان ابعاد هنجاری خاصی را به عنوان شکل‌دهنده‌های اصلی نقش شهروندی ذکر کرد. این کار از دیرباز در قالب مفاهیمی نظیر شهروندی خوب، شهروندی فعال، شهروندی اخلاقی و... انجام شده است و اصولاً پاسخی است برای پرسش "شهروند چه باید بکند؟" و یا "شهروند خوب کیست؟" یعنی پاسخی است به پرسشی هنجاری و برآمده از بایدها و نبایدهای این نقش اجتماعی. البته اهمیت دادن به کنش‌های شهروندان و تبدیل شهروندی به پروژه‌ای اخلاقی سابقه‌ای تاریخی دارد. برای مثال توسیدید عنوان می‌کند ما نمی‌گوییم کسی که به سیاست علاقه ندارد فردی است که سرش به کار خودش است؛ ما می‌گوییم او کسی است که اصولاً کاری ندارد. برای ارسطو نیز شهروند خوب کسی است که به طور فعالانه در امور سیاسی مشارکت می‌کند (ساسن، ۲۰۰۹: ۲۶۸). بنابراین می‌بینیم که شهروندی اخلاقی یا شهروندی فعال چیزی فراتر از شهروندی رسمی است یا به تعبیر دیگر شهروندی اخلاقی شامل جنبهٔ هنجاری فراقانونی و توصیه شدهٔ یک شهروند خوب است (ساسن، ۲۰۰۹: ۲۶۸).

مطالعهٔ هنجارهای جوامع، مقایسهٔ هنجارهای موجود در آن‌ها با نمونه‌های ایده‌آل هنجاری، و تلاش برای بسط و تثبیت هنجارهای خاص، به سبب نقش تعیین‌کنندهٔ ارزش‌ها و هنجارها در شکل دادن به کنش‌های فردی و جمعی، همواره در دستور کار پژوهشگران، سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان بوده است. اما مطالعهٔ هنجاری شهروندی در سال‌های اخیر است که مورد توجه واقع شده است. پیرو همین توجه است که طی یک سلسله پژوهش، هنجارهای شهروندی در آمریکا، اروپای غربی و اروپای شرقی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند تا تصویر یک شهروند خوب از نظر خود شهروندان روشن شده و فاصلهٔ آن با نمونهٔ هنجاری مطلوب جوامع سنجیده شود و برای پیمودن فاصله بین شرایط موجود تا شکل‌گیری الگوی هنجاری مطلوب در ذهن شهروندان، به مثابه نخستین گام در تحقق عینی نقش شهروندی، برنامه ریزی شود. نتایج این پژوهش‌ها حاکی از تفاوت‌های نگرشی به هنجارهای شهروندی با توجه به بسترهای مختلف جوامع بوده است.

در ایران نیز، به ویژه از دورهٔ پس از مشروطه، خواست شمول شهروندی از سوی ملت مطرح شده است و در حال حاضر نیز حدی از منزلت شهروندی در قانون اساسی کشور تثبیت شده است. لذا پر بیراه نیست که به این امر بیاندیشیم که بهره‌گیری از ظرفیت‌های این منزلت در کنار دست یازیدن به امکاناتی بدیل برای ارتقای آن می‌تواند به تکمیل روند شمول مذکور کمک کند. از این زاویه است که امکانات موجود در کنه نقش شهروندی در قالب هنجارهایی که به حقوق و مسئولیت‌های آن شکل می‌دهد برای ما نیز اهمیت می‌یابد.

با وجود آنچه گفته شد، به لحاظ پژوهشی در ده سال اخیر، توجه روزافزون به مفهوم شهروندی در ایران عمدتاً از خلال بررسی وضعیت منزلت شهروندی و مطالبهٔ تحقق آن از دولت‌ها انجام یافته است. در مطالعات هنجاری نیز پژوهش‌ها، غالباً منحصر به کاوش در متون درسی باقی مانده و به

بررسی جهت‌گیری‌های شهروندان جامعه نسبت به هنجارهای مطلوب شهروندی نرسیده است و یا تنها به یک جزء هنجاری در پژوهش‌ها بسنده شده است. از این منظر، ارائه انگاره‌های هنجارین از شهروندی خوب و مطلوب و همچنین مطالعه آن در اذهان شهروندان و بررسی این مطلب که آنچه ما هنجاری ضروری می‌نامیم تا چه حد برای خود شهروندان تبدیل به یک هنجار شده است به نظر ضروری می‌رسد. هدف اصلی پژوهش حاضر تعریف الگویی ایده آل از هنجارهای شهروندی و پس از آن مطالعه نحوه نگرش شهروندان به هنجارهای مزبور بوده است. انتخاب بُعد نگرش برای این بررسی از آن رو بوده است که به گامی پس از آگاهی و پیش از عمل ارجاع دارد. لذا هم دارای نوعی جهت‌گیری انگیزشی است که برای بحث‌های هنجاری ضروری است و هم الزاماً منوط به فراهم بودن کامل ساختارها برای عمل نیست. به‌علاوه، سعی شده است با مروری اجمالی بر نتایج تحقیقات مشابه در جهان امکان مقایسه تصویر هنجاری شهروندی برای شهروندان جامعه آماری مورد مطالعه در پژوهش حاضر با آن‌ها فراهم آید.

هنجارهای شهروندی در نظریه‌های سیاسی شهروندی

از نظریه کلاسیک جمهوری خواهانه یونان باستان پیرامون شهروندی، در حال حاضر، دو سنت نظریه سیاسی در دو سر یک پیوستار مطرح اند: سنت لیبرالیستی و سنت اجتماع‌گرایانه. این سنت‌ها، هر دو، به احترام به قانون - در درجات و شکل‌های مختلف - تأکید داشته آن را به نحوی هنجارین ضامن حفظ نظم عمومی می‌دانند. جدای از این هنجار تا حدی مشترک، هر کدام از این دو سنت دارای اولویت‌های هنجاری متفاوتی برای نقش شهروندی درون خود هستند.

نظریه‌های لیبرالیستی پیرامون شهروندی در ابتدای دوران مدرن مطرح شدند. این نظریه‌ها با توجه به سابقه دولت‌های خودکامه و با اهمیتی که به حقوق فردی انسان داشتند شهروندی را در مقابل ایده دولت مفهوم سازی نمودند. شهروندی از منظری لیبرالیستی پیش از هر چیز با برابری حقوقی گره خورده است. ریشه این برابری به طور نخست در اندیشه‌های هابز - گرچه در قالب برابری در امر شر - نمایان شد (فالكس، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۵). از دو شاخه نئولیبرالیسم و لیبرالیسم سیاسی این سنت، مورد دوم تأثیر جدی‌تری در مورد هنجارهای نقش شهروندی مدرن و آنچه شهروند خوب باید انجام دهد داشته است. "لیبرالیسم سیاسی بر شکل‌گیری رویه‌هایی تمرکز دارد که تأمل فراگیر و بی طرفانه پیرامون سیاست و حکومت را تضمین می‌کند. یکی از اصلی‌ترین ارزش‌های مورد بحث در این گفتمان پیرامون شهروندی مفهوم استقلال است. طرد ساختارهای حکومتی، اقتدار و کنترل - از حکومت سلطنتی، اقتصاد فئودالی و کلیسای کاتولیک تا دیگر نهادهای اقتدار - از سرچشمه‌های تاریخی لیبرالیسم است. از این جهت لیبرال‌ها خواهان تفکر انتقادی شهروندان هستند" (نایت و هارنیش، ۲۰۰۶: ۶۶۲). آن‌ها به درستی ماهیت مادی دولت و امکان

دست‌اندازی آن به حوزه‌های مختلف زندگی شهروندان را نشان داده اظهار می‌کنند که دولت یکی از بازیگران عرصهٔ قدرت و به واقع قویترین بازیگر این عرصه است؛ چرا که امکان استفادهٔ مشروع از زور را نیز داراست. لذا شهروندان موظف به هوشیاری سیاسی - اجتماعی دائمی و نظارت بر عملکرد دولت، انتقاد و اعتراض هستند.

به‌طور کلی لیبرالیسم دارای دو هنجار رفتاری اساسی برای تحقق شهروندی است. یکی از دو هنجار بنیادین در این گفتمان، چنان‌که اشاره شد، آزادی از استبداد هر گونه اقتدار است و دیگری اعتقاد به هنجارهای شورایی - مذاکره، مخالفت و ساخت توافق عمومی با اعتقاد به برابری همگانی - است که برای جوامع دموکراتیک ضروری است. مورد اخیر به ویژه در نظریهٔ دموکراسی شورایی مورد توجه است. دموکرات‌های شورایی خواستار آنند که شهروندان با یکدیگر پیرامون مشکلات عمومی صحبت کنند. برای این کار آن‌ها می‌باید بتوانند در مباحثه دیگران را متقاعد کنند نه فقط اینکه بر ادعاهای خود پای بشارند. برخورداری از حقوق برابر و تن دادن به این برابری، در بدو امر به برقراری این گفتگو کمک شایانی می‌کند. به این ترتیب هنجارهای مدنی لیبرال عبارتند از استقلال، پرورش دادن نگرش انتقادی، ذهن باز، ظرفیت تشخیص دادن و احترام گذاشتن به حقوق دیگران و تمایل به درگیری در گفتمان عمومی (نابت و هارنیش، ۲۰۰۶: ۶۶۳ و کیملیکا؛ نورمن، ۱۹۹۵: ۲۹۷ به نقل از دنترز، ۲۰۰۴: ۶).

در مقابل انگارهٔ هنجارینی که در نظریه‌های لیبرالیستی برای شهروندی ساخته شده است، نظریه‌های اجتماع‌گرایانه نیز تصویری از نقش شهروندی ارائه داده‌اند. ناکارایی نظام‌های دموکراتیک در تشویق شهروندان به استفادهٔ عملی از حقوق شهروندی و مشارکت فعال در حیات سیاسی و اجتماعی جوامعشان، بحران دولت‌های رفاهی در حل یک تنهٔ مسائل اجتماعی، و ناتوانی نظریه‌های لیبرالیستی در ایجاد حس تعلق به جامعه باعث احیای سنت جمهوری خواهانه و اجتماع‌گرایی از چند دههٔ گذشته به این سو شده است. اولدفیلد، به عنوان نظریه پرداز جمهوری خواهی مدرن، عنوان می‌کند که متفکران لیبرال با تأکید بر حقوق فردی به جای مسئولیت‌ها، اهمیت وظایف شهروندی به‌ویژه وظیفهٔ مشارکت سیاسی را کم‌رنگ کرده‌اند. به نظر اولدفیلد، حقوق لازمهٔ موقعیت شهروندی است اما شرط کافی آن نیست. چرا که افراد از خلال انجام وظایف مربوط به عمل شهروندی است که اصولاً تبدیل به شهروند می‌شوند. افزون بر این او عنوان می‌کند که درگیر نشدن در عمل شهروندی به معنای واقعی کلمه برابر است با شهروند نبودن. از این منظر شهروندی را باید به جای جایگاه و منزلت، به عنوان عمل یا فعالیتی دید که باید با درگیری در گسترهٔ وسیع مشارکتی جایگزین دموکراسی نمایندگی شود (اولدفیلد، ۱۹۹۰: ۵ به نقل از کیزبای، ۲۰۰۹: ۴۶).

مرکز ثقل هنجاری نظریه‌های جمهوری خواهانه مفهوم فضیلت مدنی است. فضیلت مدنی در این ادبیات نوع خاصی از هنجارهای شهروندی است که خود را در قالب تأکید بر مشارکت همگانی برای

فعالیت‌های حکومتی یا جمعی (از رأی دادن تا شرکت در احزاب سیاسی و فعالیت‌های مدرن) نشان می‌دهد (نایت و هارنیش، ۲۰۰۶: ۶۵۷) و برآمده از تعلق عمیق به کشور و ملت است. البته برای محققان معاصر این نظریه که بر مشارکت در اجتماع سیاسی تأکید دارند، اجتماع سیاسی تنها اشاره به حکومت و یا دولت ندارد بلکه همکاری با جامعه مدنی به عنوان حوزه غیر خصوصی شده عمل جمعی که داوطلبانه است و پایه‌ای برای نقد زیاده‌روی‌های هم دولت و هم بازار محسوب می‌شود را نیز شامل شده است (پرزینسکی، ۱۹۹۹: ۵). شهروندان در این الگو فقط حق مشارکت عمومی ندارند بلکه از آن‌ها انتظار می‌رود که به خاطر خود و جامعه‌شان بسیار فعالانه عمل کنند (دنترز، ۲۰۰۷: ۶).

در حال حاضر و در امتداد رونق نظریه‌های ترکیبی، نظر بر این است که الگوی هنجارین نقش شهروندی را باید جایی در میانه این پیوستار و در قالب ترکیب هنجارهای این دو سنت نظری جست‌وجو کرد. به این ترتیب همان طور که آلموند و وربا (۱۹۹۶: ۳۳۷ به نقل از دنترز، ۲۰۰۷: ۵) مدل شهروندی را با اختلاط دو عنصر متفاوت و تا حدی متناقض تعریف کرده‌اند می‌توان گفت که برای رسیدن به شرایط لازم برای سیاست دموکراتیک شهروندان باید به لحاظ سیاسی علاقمند، فعال، خودآگاه و انتقادگرا باشند، اما در همان زمان باید وفادار و متعهد و مشارکت‌جو نیز باشند. در عین این که مسئولان سیاسی نیازمند اعتبار برای اجرای وظایفشان جهت اتخاذ تصمیمات مقتدرانه هستند، اما از طرف دیگر اگر مردم تنها وفاداری و اطاعت پیشه کنند به جای آنکه شهروندانی خودآگاه و منتقد باشند میزان ریسک سوء استفاده از قدرت سیاسی بالا می‌رود. لذا علاوه بر وفاداری فعالیت مدنی جهت واری کردن دموکراتیک و مؤثر قدرت نیز ضرورتی متداوم است (دنترز، ۲۰۰۷: ۵).

هنجارهای شهروندی در نظریه‌های جامعه‌شناختی شهروندی

سابقه مطالعه جامعه‌شناختی شهروندی به کار تی.اچ. مارشال ارجاع داده می‌شود. او شهروندی را به مثابه منزلت اعطا شده به اعضای کامل جامعه تعریف کرد که تمام افراد دارای این منزلت با توجه به حقوق و وظایفشان با هم برابرند (نایت و هارنیش، ۲۰۰۶: ۶۵۴). مارشال عمدتاً به بررسی روند تکامل تاریخی منزلت شهروندی از طریق حصول انواع سه‌گانه حقوق شهروندی در انگلستان پرداخت. به این ترتیب برای مارشال به عنوان آغازگر نگاه جامعه‌شناختی به شهروندی، بیش از هر چیز نحوه تحقق شهروندی به مثابه یک منزلت اعطا شده در بستر دولت - ملت حائز اهمیت بود. با این وجود اگر بخواهیم نگاهی هنجاری به مباحث وی داشته باشیم هنجار مرکزی نقش شهروندی مدرن که لازمه تحقق منزلت مزبور است، را از نظر مارشال می‌توان در مفهوم شمول و پذیرش جایگاه برابر برای تمامی شهروندان خلاصه نمود. بر گستره این برابری منزلتی که برای مارشال در قالب ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی تعریف شده بود به تدریج و در نظریه‌های متأخر شهروندی -

نظریه‌های چندفرهنگی و نظریه‌های فمینیستی - با تأکید بر برابری فرهنگی و جنسیتی افزوده شده است. و بر نیز، ضمن تأکید بر وظیفهٔ خدمت کردن و سربازی وطن به عنوان یک هنجار مرکزی، بر برابری شهروندی در دنیای مدرن تأکید داشت. به‌ویژه برابری سیاسی که در قالب حق رأی و همکاری با احزاب خود را نشان می‌دهد.

ترنر، نظریه پرداز متأخر شهروندی، کار خود را با این نقد بر مارشال آغاز می‌کند که مدل تکاملی وی، با تمرکز بر منزلت شهروندی، روندی صلح آمیز و آرام تا تحقق شهروندی را تصویر می‌کند و در دیدن مفهوم نزاع اجتماعی به عنوان موتور محرکهٔ شهروندی ناتوان بوده است و به همین دلیل، نتوانسته تفاوت بین شهروندی فعال و منفعل را که از شکل روابط فرد و دولت برآمده است ببیند. از دید ترنر، کسب حقوق شهروندی و شهروند شدن به نوعی مبتنی بر تضاد اجتماعی هم هست. چون این امر در حمایت از خواست بازتوزیع برای ناراضیان قرار دارد (ترنر، ۱۹۹۳: ۸ و ۹). در حال حاضر مفهوم مدرن شهروندی به‌مثابه منزلتی تحت اقتدار دولت مورد تردید قرار گرفته و توسعهٔ شهروندی با بحث‌های مربوط به شمول از خلال مطالبهٔ آن به‌واسطهٔ نزاع‌های اجتماعی سیاسی و مطالبهٔ بازتوزیع منابع گره خورده است. به این ترتیب به‌جای درک شهروندی از خلال مفهوم حقوقی آن بحث بازشناسی سیاسی اجتماعی و بازتوزیع اقتصادی اهمیت یافته است (آیزین و ترنر، ۲۰۰۳: ۲).

تعریف ترنر از شهروندی واجد خصوصیات جدیدی است. از نظر او شهروندی را می‌توان به عنوان مجموعهٔ اعمالی (حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) تعریف کرد که فرد را در جایگاه عضو توانای جامعه قرار می‌دهند؛ اعمالی که نتیجتاً به جریان منابع به سوی افراد و گروه‌ها شکل می‌دهند. ابعاد مهم این تعریف عبارتند از:

۱. تقویت ایدهٔ اعمال^۱ برای اجتناب از تعریف حقوقی و دولتی شهروندی، به عنوان صرفاً مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌ها، مهم به نظر می‌رسد. واژهٔ عمل به ما در فهم ساخت اجتماعی پویای شهروندی، که در طول تاریخ به مثابه نتیجهٔ مبارزات سیاسی تغییر کرده است کمک می‌کند. بنابراین مفهوم عمل اجتماعی بر آن است که با ظرافت به ایدهٔ شهروندی به‌مثابه مفهومی جامعه شناختی و نه حقوقی یا سیاسی بپردازد.
۲. این تعریف از شهروندی، آن را در مقابل مفاهیم نابرابری، تفاوت‌های قدرت و طبقهٔ اجتماعی می‌نشانند. چرا که شهروندی ضرورتاً و لزوماً با مسئلهٔ توزیع نابرابر منابع در جامعه احاطه شده است (ترنر، ۱۹۹۳: ۲).

به این ترتیب می‌بینیم که ترنر با وارد کردن ابعاد فعال و منفعل شهروندی در نظریه خود و اهمیت نزاع‌ها و جنبش‌های اجتماعی در کسب حقوق شهروندی، پروسه فعالیت و اعمال اجتماعی منتهی شونده به شهروندی را نیز در مجموعه اعمال و مسئولیت‌های شهروندی گنجانیده است. از این منظر می‌توان از وجود هنجارهای شهروندی پیش از به رسمیت شناخته شدن منزلت شهروندی سخن گفت و حتی آن را در رابطه‌ای دیالکتیکی موجد شکل‌گیری شهروندی دانست.

شهروندی برای پارسونز، نیز در امتداد رویکرد مارشال، فرایند تکاملی شمول است که در دنیای امروز از آن گریزی نیست (اس‌سیورتینو، ۲۰۱۰: ۲۴۸) او شهروندی را از خلال مفاهیم عضویت و شمول در راستای همبستگی اجتماعی درک کرده است. اهمیت ویژه‌ای که پارسونز به شهروندی می‌داد ناشی از این واقعیت بود که او تصور می‌کرد در جوامع دموکراتیک شهروندی به معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل می‌شود. مفهوم شهروندی از دیدگاه پارسونز عضویت کامل در آن چیزی است که او آن را اجتماع جامعگی^۱ می‌نامد. اجتماع جامعگی مجموعه‌ای از شبکه‌های وفاداری اشتراکی و جامعیت‌های در هم نفوذ کرده است؛ یک نظام که واحدهایش به رغم تفاوت‌های کارکردی‌شان صورت‌بندی شده‌اند... نظام هنجاری‌ای که این وفاداری‌ها را تنظیم می‌کند، بنابراین، باید روی هم‌بسته‌کردن حقوق و مسئولیت‌های مجموعه‌های گوناگون کار کند (اس‌سیورتینو، ۲۰۱۰: ۲۴۳). پارسونز در عین تأیید دستاوردهای ویژه شهروندی و دموکراسی در آمریکا استدلال می‌کرد که همان‌طور که منزلت شهروندی قابل دستیابی است قابل از دست رفتن نیز هست. شهروند درجه دو در طول تاریخ وجود داشته، با تلاش از بین رفته و دوباره به وجود آمده است (اس‌سیورتینو، ۲۰۱۰: ۲۵۳). خود را در مورد چگونگی تنزل آمریکائیان آفریقایی‌تبار به منزلت شهروندان درجه دوم و جنبش حقوق مدنی به کار بست. او با توجه به اهمیتی که به نقش اندیشه‌ها در پیش برد یا جلوگیری از دگرگونی می‌داد پاسخ خود پیرامون دلیل این امر را بر محور ارزش‌های فرهنگی قرار داد (کیویستو، ۱۳۸۸: ۱۰۰). از این منظر، شکل‌گیری عملی و کامل منزلت شهروندی در جامعه بسته به درونی‌شدن ارزش‌ها و هنجارهای خاص شمول‌گرایانه و برابری‌خواهانه و کثرت‌گرایانه در همه شهروندان آن جامعه است.

آرنت و هابرماس با بحث از دموکراسی شورایی و شهروندی فعال بر هنجارهای خاصی از شهروندی تأکید نموده‌اند که خود را در قلمرو یا سپهر عمومی نشان می‌دهند. قلمرو عمومی^۲، در نظر آرنت، از رابطه انسان با انسان حکایت دارد که در شرایطی برابر، مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و آرنت آن فعالیت انسانی را که در این قلمرو جریان پیدا می‌کند عمل (پراکسیس) می‌خواند که

-
1. Societal community
 2. Public realm

به‌ویژه صورت گفتار به خود گرفته پیرامون امور عمومی نظیر حفظ حقوق انسان‌ها اعمال می‌شود. در نظر آرنت نیز شهروندی در معنای هنجارین کلمه، مفهومی در رابطه با عمل کردن است (شاو، ۱۳۸۰: ۲۲۸). او به شهروندی فعال به مثابه بدیلی در برابر توتالیتراریسم نگاه می‌کند. اگر مفهومی که آرنت از سیاست ارائه می‌کند ناشی از عمل جمعی افرادی عمل‌کننده و فعال باشد، پس چنین مفهومی در حقیقت بر انگارهٔ شهروند فعال مبتنی است؛ یعنی بر ارزش و اهمیت درآمیازی مدنی و گفتگوی جمعی در مورد همهٔ اموری که بر جماعت سیاسی تأثیر می‌گذارد (پدرام، ۱۳۸۸: ۷۰). از این منظر نظریهٔ او پیرامون شهروندی فعال را به نوعی می‌توان در امتداد نظریه‌های جمهوری‌خواهانه قرار داد که با معیار قرار دادن یونان باستان و شهروندی آتنی بر فضیلت مشارکت مدنی پای می‌فشارند. از همین منظر است که از نظر آرنت "سیاست به عنوان هدف و نه وسیله یک هستی جمعی برای ظهور فضیلت در انسان مطرح می‌شود" (پدرام، ۱۳۸۸: ۸۰).

آرنت استدلال می‌کند که نمایندگی و حق رأی اگر با ایجاد فضایی همراه نباشد که مردم در آن بتوانند درگیر ابراز نظر، مباحثه و تصمیم‌گیری شوند تنها باعث جایگزینی سیاست‌مداران حرفه‌ای با مشارکت شهروندان می‌شود و مردم را در اشتغالات روزمرهٔ خود به خواب می‌برد (پدرام، ۱۳۸۸: ۸۰). به عقیدهٔ آرنت حذف سازمان‌ها و شبکه‌های واسط نظیر احزاب، به عنوان محلی برای گفت‌وگو و کنش سیاسی فراتر از رأی دادن، به توده‌های شدن کامل جامعه می‌انجامد. از نظر او توده‌ها، این افراد تک افتاده‌ای که هیچ هدف مشترک و هیچ پیوند اجتماعی با یکدیگر ندارند، عامل اصلی تحقق توتالیتراریسم اند. در جامعهٔ توده‌ای مردم دیگر با هم پیوندهای اجتماعی برقرار نمی‌کنند و تکلیفی اجتماعی برای خودشان قائل نمی‌شوند. چنین مردمانی از نظر سیاسی خنثی هستند چون هیچ پیوندی با اعضای هیچ گروهی ندارند (آلتنبرند جانسون، ۱۳۸۵: ۶۴ و ۶۵). به این ترتیب این افراد به معنای واقعی کلمه ناشهروند هستند؛ پدیده‌ای که نه تنها شهروند نیست بلکه در مقابل شهروندی معنا پیدا می‌کند. پس شهروندان باید به نحوی هنجاری به تلاش برای زنده نگه داشتن احزاب نیز برای مقاومت در برابر توتالیتراریسم قائل باشند.

در الگوی نظری هابرماس نیز نقش اجتماعی شهروندی در ارتباط با سپهر عمومی و جامعهٔ مدنی و البته کنش ارتباطی ترسیم شده است. در نزد او اعضای جامعهٔ مدرن صرفاً در بافت سپهر عمومی و جامعهٔ مدنی از نقش شهروندی برخوردارند (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). او نظر پارسونز را پیرامون نقش مرکزی ارزش‌ها و هنجارها در یگانگی اجتماعی می‌پذیرد و آن را در بسط هنجار کنش ارتباطی به کار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۸۲-۲۷۴). برای هابرماس در اساس فقط یک هنجار الزام‌آور فراگیر وجود دارد و آن هنجار کنش ارتباطی است. هنجار هابرماسی «عمل ارتباطی» ما را ملزم می‌کند به وسیلهٔ کنش ارتباطی در سپهر عمومی از ارزش‌های خود دفاع کنیم ... و بپذیریم که فقط ارزش‌هایی که از چنین دفاعی موفق درآیند مشروعیت دارند (پاتنام، ۱۳۸۵: ۱۷۲-۱۷۰). برابری،

گفت‌وگو، استدلال و استفاده از رسانه‌های سپهر عمومی یعنی شبکه‌های انسانی و نشریات، رسانه‌هایی که تحت نظارت قدرت دولت نباشند و در آن‌ها امکان تبادل آراء وجود دارد رسیدن به این الگوی هنجاری را ممکن می‌کند. به این ترتیب، هابرماس با قرار دادن بحث سپهر عمومی و نظریه کنش تفاهمی در یک پروژه واحد توانسته است به نظریه دموکراسی مشارکتی نزدیک شود و مبنایی نظری را برای نظریه دموکراسی گفت‌وگویی فراهم آورد (پنسکی، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

چنان‌که شرحش رفت، برای هر یک از جامعه‌شناسانی که به نظریه‌پردازی پیرامون شهروندی پرداخته‌اند تصویری خاص از شهروندی خوب یا فعال مطرح بوده است که به طور مشروح یا ضمنی از هنجارهای آن سخن گفته‌اند. در ساخت مدل ترکیبی هنجارهای شهروندی در این مقاله هنجارهای متفاوت، که هر کدام از یک وجه ضرورت‌های نقش شهروندی را پوشش می‌دهند، از نظریه‌های آن‌ها استخراج شده است که به آن اشاره خواهد شد، اما پیش از آن به مرور پژوهش‌های تجربی متأخر در این زمینه پرداخته می‌شود.

هنجارهای شهروندی در پژوهش‌های جهانی

در سال‌های اخیر پژوهش پیرامون ابعاد متنوع شهروندی جای خود را در دانشگاه‌ها، سازمان‌های دولتی، و سازمان‌های خاص تشکیل شده پیرامون شهروندی باز کرده است. اهمیت شهروندی، به ویژه در بعد هنجاری، برای حفظ نظم اجتماعی در کنار برقراری امکان بروز تفاوت‌ها، به عنوان پایه‌ای برای پویایی اجتماعی از دلایل این امر بوده است. به طور مشخص برای نخستین بار در پیمایش بررسی دموکراسی سوئد (۱۹۹۸) این هنجارها به طور نظام‌مند مورد مطالعه قرار گرفتند. پس از آن پروژه اروپایی شهروندی، مشارکت و دموکراسی^۱ برخی آیت‌های بررسی دموکراسی سوئد را انتخاب و آن‌ها را بین مجموعه‌ای از کشورهای اروپایی در آخر دهه ۱۹۹۰ بررسی نمود. پیمایش اجتماعی اروپا^۲ هم زیرمجموعه‌ای از آن آیت‌ها را در ۲۲ کشور اروپایی در سال ۲۰۰۲ سنجید. بر مبنای این سنت پژوهشی برنامه پیمایش اجتماعی بین‌المللی و زیرمجموعه آن پیمایش اجتماعی عمومی در آمریکا نیز ایجاد شدند. پیمایش شهروندی، مشارکت و دموکراسی مرکز دموکراسی و جامعه مدنی^۳ در دانشگاه جرج تاون مجموعه‌ای از پرسش‌های شهروندی را از پیمایش اجتماعی اروپا بازسازی نمود و در سال ۲۰۰۵ در قالب مصاحبه با ۱۰۰۱ پاسخ‌گو آن را به انجام رساند. در این کار از شهروندان پرسیده شد: «به نظر شما برای شهروند خوب بودن چقدر اهمیت دارد که فرد کارهای خاصی را انجام دهد؟» و از آن‌ها درخواست شد به فهرست تهیه شده از کارهای مد نظر

1. CID
2. ESS
3. CDACS

نمره دهند. پاسخ‌گویان از ۰ تا ۱۰ (کاملاً بی‌اهمیت تا بسیار مهم) به گویه‌هایی که شاخص‌های آن‌ها در زیر آورده شده‌اند نمره داده‌اند.

جدول ۱. شاخص‌های C D و ESS هنجارهای شهروندی

شرکت در انتخابات	مشارکت
شرکت در انجمن‌های سیاسی/اجتماعی	
انجام فعالیت سیاسی	استقلال فردی
درک دلایل افراد جامعه	
هوشیاری در مورد عملکرد دولت (نظارت)	نظم اجتماعی
داشتن عقاید مستقل از عقاید دیگران	
پیروی از قوانین و مقررات در هر حالی	همبستگی اجتماعی
شرکت در ارتش هنگام جنگ	
گزارش جرم به مسئولان مربوطه	
عدم فرار مالیاتی	
حمایت از محرومان جامعه	

جدول شاخص‌های C D و ESS

به این ترتیب در طول ۱۵ سال گذشته، میزان گرایش به هنجارهای شهروندی در روندی مستمر و در قالب مجموعه‌ای مشخص در سطح اتحادیهٔ اروپا و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با استفاده از داده‌های پیمایش‌های ذکر شده، مسئله پردازی‌ها و پژوهش‌های چندی به طور مشخص در مورد آمریکا، کشورهای اتحادیهٔ اروپا و کشورهای اروپای شرقی انجام گرفته است.

در مقالهٔ «هنجارهای شهروندی و مشارکت سیاسی» (دالتون، ۲۰۰۶)، به عنوان یکی از نخستین پژوهش‌های تجربی در زمینهٔ هنجارهای شهروندی، به طرح این موضوع پرداخته شده است که در ایالات متحده با وجود حصول زمینه‌های شهروندی فراگیر به طور رسمی، نظیر جافتادن مفهوم برابری شهروندی، گفته می‌شود شهروندی خوب کم‌رنگ شده است به این خاطر که میزان رأی دادن کم شده یا ایمان به حکومت پایین آمده و... اما آیا به‌واقع این همهٔ ماجراست و هنجارهای شهروندی در حال از دست دادن بار ارزشی - هنجاری خود برای شهروندان آمریکایی هستند؟ دالتون در پاسخ استدلال می‌کند که هنجارهای شهروندی چندگانه‌اند و اگرچه شاهد تضعیف آن‌ها در برخی جنبه‌ها بوده‌ایم اما جنبه‌های دیگری در مقابل تقویت شده‌اند. از نظر او تحقیقات پیشین

به نوعی با توجه به شهروندی مبتنی بر وظیفه^۱ انجام یافته‌اند در حالی که دسته دیگر هنجارها، یعنی هنجارهای شهروندی متعهد^۲ را که اتفاقاً پیرنگ شده‌اند نادیده گرفته‌اند. وی می‌گوید هنجارهای چهارگانه پیشتر ذکر شده دارای منطقی ساده‌تر هستند و با تحلیل عامل می‌توان آن‌ها را به دو بعد هنجاری زیر فروکاست:

۱. شهروندی مبتنی بر وظیفه: این بعد شامل هنجارهای مرتبط با نظم اجتماعی بوده است. به سخن دیگر این بعد شامل وظایف اولیه و بدیهی شهروندی است که حمایت دولت‌ها را به همراه دارند. به علاوه مسئولیت رأی دادن به‌طور قوی با این بعد ارتباط دارد. وفاداری به دولت و رأی دادن در بحث‌های شهروندی مرتبط با هم ذکر شده‌اند، این بحث با نظریه‌های توکویل آغاز شده است و در حال حاضر نیز شاهد این هستیم که تأکید رسمی بر اهمیت استفاده از حق رأی و طرح آن به مثابه یک وظیفه برای شهروندان از سوی دولت‌ها، به دلیل قابلیت مشروعیت بخشی بین‌المللی آن به دولت، بیش از سایر شکل‌های هنجارهاست.

۲. شهروندی متعهد: سایر هنجارهای مشارکتی در کنار هنجار استقلال فردی، که برآمده از نظریه‌های لیبرالیستی و اجتماع‌گرایی به‌طور مشترک هستند، به‌علاوه هنجار همبستگی اجتماعی، که به شهروندی اجتماعی مارشال بسیار نزدیک است، در این بخش قرار گرفته‌اند. دالتون در ادامه کار، با تمرکز بر توزیع اجتماعی هنجارهای شهروندی در آمریکا نشان می‌دهد که دو عامل سن و تحصیلات به چه نحو بر گرایش به ابعاد متفاوت هنجاری تأثیر داشته‌اند. او مطرح می‌کند که گرچه از اهمیت هنجارهای مبتنی بر وظیفه در بین شهروندان تا حدی کاسته شده است اما در مقابل شهروندی متعهدانه بار هنجاری بیشتری پیدا کرده است. او به ویژه نشان می‌دهد که نسل‌های گذشته با تحصیلات کمتر بیشترین گرایش هنجاری را به شهروندی مبتنی بر وظیفه نشان داده‌اند و این در حالی است که در میان جوانان تحصیل کرده هنجارهای عمیق‌تر شهروندی متعهد، که با استحکام واقعی دموکراسی و افزایش بهزیستی اجتماعی دیگر شهروندان مرتبط‌اند، مقبول‌تر بوده است. این نتیجه در مقاله «هنجارهای شهروندی؛ کاوشی در عوامل تعیین‌کننده هنجارها در سطوح سیستمی و فردی» (کوئیزیان، ۲۰۰۹) که به مطالعه هنجارها در سطح اروپا پرداخته است نیز تأیید شده است.

در امتداد خط مطالعاتی یاد شده، دنترز در پژوهش «هنجارهای شهروندی خوب» (دنترز، ۲۰۰۷) اظهار می‌کند که با برقراری دموکراسی نمایندگی و برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی ابتدائی در سال‌های اخیر بحث پیرامون نقش و جایگاه شهروندان وارد گفتمان عمومی شده است. در این پژوهش سعی شده چگونگی درک شهروندان معاصر از مفهوم شهروندی، و اهمیت

-
1. Duty Based Citizenship
 2. Engaged Citizenship

هنجارهای شهروندی در نگاه آنان، صورت‌بندی شود. در این پژوهش تمرکز بر سه مدل شهروندی، با هنجارهای مرکزی متفاوت، است:

جدول (۲). شاخص هنجارهای شهروندی خوب از نظر دنترز

عدم فرار مالیاتی		
اطاعت از قوانین و مقررات در هر حالت	اطاعت از قانون	مدل نخبه‌گرای سنتی
ساختن عقیدهٔ شخصی	هوشیاری سیاسی - اجتماعی	مدل لیبرالی
انتقادگرایی		
انسجام		
فکر کردن به دیگران	خیرخواهی عمومی	مدل اجتماع‌گرایی

از نتایج مهم این تحقیق به این نکته می‌توان اشاره کرد که به‌طور عمومی حمایت از هنجارهای اطاعت از قانون و هوشیاری سیاسی اجتماعی بالاتر از خیرخواهی عمومی بوده است. با توجه به این‌که این دو برآمده از تفسیر لیبرالی شهروندی بوده‌اند، و البته هنجار خیرخواهی عمومی مستقیماً به معنای تقبل بارمالیاتی بیشتر بوده است، این نتیجه در کشورهای اروپایی منطقی به‌نظر می‌رسد. در دموکراسی‌های سنتی اروپای غربی الگوی مشاهده شده به ترتیب عبارت از اهمیت هنجار هوشیاری سیاسی - اجتماعی، اطاعت از قانون و سپس خیرخواهی عمومی بودند در حالی که در کشورهای اروپای شرقی جای اطاعت از قانون و هوشیاری سیاسی - اجتماعی عوض شده است. بیشترین نسبت مردم غیر مدنی در روسیه دیده شده است و در مقابل بیشترین مردم مدنی هم در کشورهای اسکاندیناویایی دیده شده‌اند که اقلأً سه نفر از چهار پاسخ‌گو به هر سه هنجار به‌طور کامل و صد در صد اعتقاد داشته‌اند. در این پژوهش برتری هنجار اطاعت از قانون در کشورهای پساکمونیستی نیز با استفاده از مدل اقتدارگرایی دولت و جامعه تحلیل شده است. طبق این مدل مردم می‌باید از قوانین وضع شده توسط قدرت پیروی کرده خود را با آن تطبیق دهند و این امر توسط دولت‌ها، رسانه‌ها و مدارس و... تبلیغ و تقویت می‌شود. از آنجا که عناصر بنیادین گرایش‌های افراد تا مدت‌ها باقی می‌مانند، پس از سقوط رژیم‌های کمونیستی هنوز شاهد قوی بودن این هنجار هستیم.

در پروژهٔ پژوهشی «شهروندی فعال» (هاسکینز، ۲۰۰۸) شهروندی فعال در بستر اروپا به مثابه گسترهٔ وسیعی از ارزش‌های مبتنی بر مشارکت دیده شده است. به گفتهٔ پژوهشگران این کار از آنجا

که تعریف عملیاتی روشنی از شهروندی فعال و آنچه یک شهروند خوب باید انجام دهد وجود نداشته است، عمده تلاش آن‌ها در این پروژه معطوف به ساخت سنجه ای ترکیبی برای سنجش شهروندی فعال بوده است. چارچوب بسط داده شده در این مقاله برای سنجش پدیده شهروندی فعال شامل چهار بخش است:



شکل (۱). شهروندی فعال از نظر هاسکینز

منظور از فعالیت در جهت تغییر اجتماعی و اعتراض، فعالیت‌هایی است که به شکل‌های خلاف عرف مشارکت نظیر اعتراضات، تظاهرات، اعتصابات سیاسی و بایکوت محصولات ارجاع دارند. زندگی اجتماعی به همان عضویت اجتماعی مارشالی اشاره دارد که به نوعی مرکز ثقل نظریه‌های اجتماع‌گرایانه نیز هستند. مشارکت در دموکراسی نمایندگی از دیگر ابعاد مهم شهروندی فعال فرض شده است که به فعالیت‌های یاری‌رسان به جای‌گیری مردم در سیستم‌های دموکراسی نمایندگی ارجاع دارد. فعالیت‌هایی نظیر رأی دادن و مشارکت در احزاب. به‌علاوه تعریف شهروندی فعال تنها شامل ابعاد مشارکتی نیست بلکه اعتقاد به ارزش‌های دموکراتیک را نیز شامل می‌شود. چرا که برای مثال مشارکت صرف در سیاست، احزاب و... الزاماً مفید حال یک جامعه دموکراتیک نیست و برخی احزاب می‌توانند خود مبتنی بر ارزش‌های غیر و حتی ضد دموکراتیک باشند. در این‌جا گرایش به ارزش‌هایی نظیر حقوق بشر به عنوان یک مکمل به مدل نظری افزوده شده است. به این ترتیب هر شهروندی که به معرف‌های چهار مقوله یاد شده باور بیشتری داشته و در راستای آن‌ها دست به مشارکت زده باشد شهروندی فعال‌تر محسوب می‌شود. برای سنجش میزان

شهروندی فعال در کشورهای اروپایی از تحلیل ثانویهٔ داده‌های پیمایش اجتماعی سال ۲۰۰۲ اروپا استفاده شده است و با استخراج ۶۱ شاخص از بین داده‌های پیمایش مذکور به مقایسهٔ کشورها از نظر میزان فعال بودن شهروندانشان پرداخته شده است.

جدول (۳). رتبهٔ کشورهای اروپایی بر حسب میزان شهروندی فعال

رتبهٔ کلی	کشور	اعتراض و تغییر اجتماعی	حیات جمعی	ارزش‌های دموکراتیک	دموکراسی شورایی
۱	سوئد	۲	۲	۱	۲
۲	نروژ	۱	۱	۴	۷
۳	دانمارک	۳	۶	۷	۳
۴	بلژیک	۴	۳	۱۸	۱
۵	اتریش	۵	۹	۹	۴
۶	لوکزامبورگ	۱۱	۱۰	۲	۵
۷	هلند	۶	۵	۱۱	۸
۸	آلمان	۷	۷	۱۰	۶
۹	ایرلند	۱۰	۸	۶	۱۳
۱۰	فنلاند	۱۲	۱۳	۳	۹
۱۱	انگلستان	۸	۴	۱۳	۱۵
۱۲	فرانسه	۹	۱۱	۱۶	۱۶
۱۳	اسپانیا	۱۴	۱۴	۱۲	۱۰
۱۴	ایتالیا	۱۵	۱۷	۱۵	۱۱
۱۵	اسلوونی	۱۳	۱۲	۱۴	۱۷
۱۶	پرتغال	۱۶	۱۵	۸	۱۴
۱۷	یونان	۱۸	۱۸	۱۹	۱۲
۱۸	لهستان	۱۹	۱۹	۵	۱۹
۱۹	مجارستان	۱۷	۱۶	۱۷	۱۸

منبع: هاسکینز (۲۰۰۹)

همان‌طور که در جدول (۳) دیده می‌شود، در یک رتبه بندی کلی کشورهای اروپای شمالی، به ویژه سوئد، بالاترین نرخ شهروندی فعال را داشته‌اند. پس از آن‌ها کشورهای اروپای مرکزی و کشورهای آنگلوساکسونی قرار داشته‌اند و در نهایت کشورهای مدیترانه ای و کشورهای اروپای شرقی قرار گرفته‌اند. در بررسی وضعیت هر کدام از ابعاد هنجاری مورد مطالعه در این کشورها می‌توان مشاهده کرد که گرچه مقبولیت هنجاری هر بعد با بعد دیگر در یک کشور متفاوت بوده

است اما کشورهایی که در صدر جدول قرار گرفته‌اند عمدتاً در تمام ابعاد نمره بالایی دریافت کرده‌اند. مثال نقض این امر البته بلژیک با رتبه ۱۸ در بعد ارزش‌های دموکراتیک است چرا که تنها دو سوم جمعیت این کشور با حقوق برابر برای مهاجران موافق بوده‌اند و تقریباً به همین مقدار نیز اهمیت تصویب قانون بر ضد تبعیض در محیط کار یا ضدیت با تبعیض نژادی را به‌طور کامل تأیید کرده‌اند در حالی که در سوئد این آمار به ترتیب ۹۰٪ و ۸۰٪ بوده است.

هاسکینز در تحلیل داده‌ها استدلال می‌کند که با وجود قابلیت اعتماد آماری نتایج، نظر به کمبود شاخص‌ها و سنجش‌های نظری ایده آل و بهره‌گیری از داده‌های از پیش موجود، باید با نتایج به‌دست آمده با احتیاط برخورد کرد. با این وجود نتایج شاخص شهروندی فعال الگوهای منطقه‌ای جالب و کاملاً مشخصی را به نمایش می‌گذارند. عامل توضیحی کلیدی در بررسی نتایج طول دوره تجربه دموکراسی در کشورهای صدر جدول در قیاس با کشورهایی است که دارای تجربه محدودتر کشورهای کمونیستی و یا استبدادی بوده‌اند. این امر به‌خصوص خود را در ارتباط با تجربه محدودتر کشورهای اروپای شرقی در توسعه جامعه مدنی و آموزش مدنی نشان می‌دهد. عامل دیگر دسترسی به منابع اقتصادی و برخورداری از دولت‌های رفاهی موفق‌تر بوده که بار دیگر برای کشورهای صدرنشین به مراتب بیشتر بوده است.

در نهایت و به به نوعی به عنوان دنباله منطقی پروژه‌های دالتون و هاسکینز، در مقاله «هنجارهای شهروندی در اروپای شرقی» (کافه و لیپه، ۲۰۰۹) عنوان شده است که عموماً در پژوهش‌های اجتماعی شهروندان اروپای شرقی سطح پایین‌تری از درگیری سیاسی - مدنی را نسبت به اروپای غربی و آمریکا نشان داده‌اند. در مقام طرح مسئله این طور بیان شده که، به‌طور نظری، این تفاوت به مثابه حاصل حضور چند دهه‌ای کمونیسم در این کشورها توصیف شده است اما کار تجربی چندانی پیرامون ادراک خود شهروندان اروپای شرقی از هنجارهای شهروندی و تعریف آن‌ها از شهروندی خوب انجام نشده است. لذا در این جا تعریف خود شهروندان از شهروندی خوب در چهار کشور اروپای شرقی، جمهوری چک، مجارستان، لهستان و اسلوانی، مورد مطالعه قرار گرفته است. پایه کار نویسندگان این مقاله تعریف دالتون از هنجارهای مبتنی بر وظیفه و تعهد شهروندی بوده است. نتایج حاصل از این پژوهش در وهله نخست تفاوت معنادار در اهمیت هنجارها را در کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. به این ترتیب که شهروندان جمهوری چک کمترین اهمیت را برای هر دو دسته هنجارها قائل بوده‌اند. شهروندان مجارستانی تصویری سنتی از شهروندی داشته‌اند که مبتنی بر بعد وظیفه شهروندی بوده است. شهروندان اسلوانی تصویری مدرن‌تر و بیشتر معطوف به هنجارهای تعهد شهروندی داشته‌اند و نهایتاً در نگاه شهروندان لهستانی هر دو جنبه دارای اهمیت بوده است.

همان‌طور که ملاحظه شد، انگاره‌های شهروندی متفاوتی که البته متضمن شاخص‌های مشابهی بوده‌اند، در این پروژه‌ها پرداخته و سنجیده شده‌اند، نتایج جالبی از آن کسب شده است. با این وجود به تصدیق نگارندگان این پژوهش‌ها، یک ضعف مشترک در این کارها وجود داشته و آن استفاده از داده‌های از پیش موجود است که، در عین فراهم آوردن امکان قیاس بین کشورها، باعث محدود شدن پژوهشگران در ساخت و سنجش مدل هنجاری جامعی شده است. در صورت وجود امکان گردآوری داده‌ها بعد از ساخت الگوی هنجاری شهروندی، نگارندگان احتمالاً هنجارهای دیگری را نیز به مدل اضافه نموده آن را دقیق‌تر می‌کردند، امکانی که در کار حاضر و در ادامه از آن بهره‌گرفته شده است.

چارچوب نظری

پارسونز در بررسی نظام اجتماعی از آمیزهٔ نقش - منزلت به عنوان واحدی بنیادی بهره‌گرفته است. منزلت، در ادبیات پارسونز، به یک جایگاه ساختاری در داخل نظام اجتماعی اطلاق می‌شود و نقش، همان کاری است که کنشگر در یک چنین موقعیتی انجام می‌دهد (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۳۵). به سخن دیگر موقعیت یا پایگاه (یا منزلت) اجتماعی مکان فرصتی در شبکهٔ فرصت‌هاست و نقش اجتماعی عموماً به مثابه مجموعه‌ای از هنجارهای مرتبط با آن موقعیت اجتماعی تعریف می‌شود (چلبی، ۱۳۸۴: ۳۸ و مارشال، ۱۹۹۸: ۴۵۳). به طور کلی پارسونز هستهٔ اصلی مسئلهٔ نظم اجتماعی را در کم و کیف انسجام هنجاری می‌بیند که مبتنی بر اصول مشترک ارزشی در جامعه است (چلبی، ۱۳۸۴: ۱۴). از نظر او در یک فرایند اجتماعی شدن موفق، هنجارهای جامعه ملکهٔ ذهن فرد شده و به صورت بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آن‌ها در می‌آیند (ریترز، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

با استعانت از این نظریه پارسونزی به مقولهٔ منزلت، نقش و هنجار می‌توان بار دیگر به شهروندی نگریست. از این منظر شهروندی در مرحلهٔ اول در قالب منزلت یا موقعیتی اجتماعی در جامعه‌ای خاص تثبیت می‌شود، منزلتی که با تقدم پذیرفته شدهٔ دولت - ملت در ابتدا در قوانین دولت‌ها با حقوق و تکالیفی تعریف می‌شود. اما این تثبیت، پایان روند شمول شهروندی نیست. به طور همزمان، شهروندی نقشی اجتماعی نیز هست که هنجارهای خاصی آن را معنادار می‌کنند و کنشگران اجتماعی در بستر اجتماع جامعه‌ای در قالب آن به کنش می‌پردازند. وقتی سخن از نقش بودن شهروندی می‌رود بدین معناست که آن نیز مانند هر نقش اجتماعی دیگری مجموعه‌ای هنجاری است و چونان هر مجموعهٔ هنجاری دیگری از "دستورالعمل‌ها، انتظارات، قواعد و فرمان‌های مربوط به حقوق و تکالیف آن نقش" تشکیل شده است (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۷۸).

از همین منظر در این پژوهش منزلت شهروندی جایگاه ساختاری تثبیت شده و رسمی شهروندی در نظام‌های سیاسی تلقی شده است و نقش شهروندی مجموعهٔ هنجارهایی که حقوق و

تکالیف این نقش را برای شهروندان شکل می‌دهد. هنجارهای این نقش نظر به تعریف الستر به هنجارهای اخلاقی، اجتماعی و قانونی تقسیم شده‌اند. هنجارهای اخلاقی معمولاً در بستر ارزش‌ها و باورهای فرهنگی شکل می‌گیرند. هنجار اخلاقی اساساً به تعیین حق می‌پردازد. همان‌طور که حق و تکلیف دو مقوله وابسته به هم هستند و عملاً رابطه همزیستی با یکدیگر دارند، این رابطه همزیستی در مورد هنجار اخلاقی و هنجار اجتماعی نیز وجود دارد. یعنی در حالی که هنجار اخلاقی حق را تعیین می‌کند، در همان حال، هنجار اجتماعی به تعیین تکلیف براساس حق می‌پردازد. هنجارهای قانونی نیز، غالباً، بر مبنای هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و با ملاحظه مقتضیات اثباتی و سیاسی در جامعه به طور رسمی وضع می‌شوند (چلبی، ۱۳۸۴: ۲۷۹).

به این ترتیب نقش شهروندی چنان‌که از آغاز تعریف توسط مارشال عنوان شده است به دو پاره حقوق و تکالیف تقسیم می‌شود. هنجار اخلاقی که بر حقوق این نقش مسلط است نظر به ادبیات ارائه شده شهروندی هنجار برابری است. چرا که برابری در تمامی نظریه‌های شهروندی تبدیل به هنجار قائم به ذاتی شده که پروژه شهروندی را به عنوان چیزی ورای برابری رسمی حقوقی قرار داده است (ساسن، ۲۰۰۹: ۲۳۸). این هنجار اخلاقی ناظر بر این امر است که به گفته پارسونز حتی در صورت وجود منزلت برابر اگر ارزش برابری در شهروندان درونی نشده باشد ما شاهد شکل‌گیری شمول شهروندی نخواهیم بود. در این پروژه ارزش برابری مزبور، با استفاده از نظریه‌های مارشال، و نظریه‌های متأخر شهروندی فرهنگی و جنسیتی، در زمینه‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی نزد شهروندان سنجیده شده است.

پاره دوم نقش شهروندی معطوف به تکالیف این نقش است. در این جا دو دسته هنجاری هنجارهای قانونی و هنجارهای اجتماعی سنجیده شده‌اند. هنجارهای قانونی ناظر به وظایف شهروندان است، وظایفی که دولت‌ها برای انجام شدن آن‌ها توسط شهروندان حدی از اجبار را قرار داده‌اند. این هنجارها حداقل‌های هنجاری در رابطه شهروندان و حکومت هستند. ادبیات نظری سیاسی و البته تأکید جامعه‌شناختی و بر خدمات وظیفه در اینجا مورد استفاده قرار گرفته است. هنجارهای اجتماعی ناظر بر بعدی از تکالیف است که اجبار مستقیم دولت‌ها پشتوانه آن‌ها نیست و حتی بعضاً برخی دولت‌ها تمایل چندانی به بروز آن‌ها ندارند اما تعهد به آن‌ها زمینه برخورداری از حقوق شهروندی و تحقق جامعه‌ای سالم، دموکرات و توسعه یافته خواهد بود. این تعهدات شهروندی در سه بعد هنجارهای مشارکتی (شرکت در انتخابات‌ها، همکاری با احزاب، سازمان‌های غیر دولتی و...)، هنجارهای گفت‌وگویی (همکلامی و گفت‌وگو با سایر شهروندان پیرامون مسائل اجتماعی سیاسی) و هنجارهای هوشیاری (پی‌گیری عملکرد دولت، انتقاد، اعتراض) از تلفیق نظریه‌های جمهوری خواهانه و لیبرالی و رویکردهای آرنت و هابرماس گرفته شده است.



شکل (۲). مؤلفه‌های انگاره هنجارین شهروندی

لازم به یادآوری است که در این کار به این دلیل بعد نگرشی برای سنجش انتخاب شده است که نگرش به گامی پس از آگاهی و پیش از عمل اشاره دارد و از این رو هم آگاهی و هم جهت‌گیری مثبت و هم میل به عمل را در خود دارد. از این منظر اگر شهروندی را همچون آرنت و ترنر به مثابه یک عمل اجتماعی و گسترانندهٔ منزلت معطوف به آن ببینیم، نگرش مثبت به هنجارهای شهروندی مقدمهٔ لازم بر وقوع آن عمل محسوب می‌شود.

روش شناسی پژوهش

جامعهٔ آماری این پژوهش کلیهٔ شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران، در سال ۱۳۹۰ بوده است. حجم نمونه بر پایهٔ آمار سرشماری سال ۱۳۸۵، که بر طبق آن در مجموع در شهر تهران ۲۲۴۵۶۰۱ خانوار زندگی می‌کرده‌اند، و با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۱ نفر برآورد شده است. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند. به این ترتیب در شمال شهر مناطق ۲ و ۳، در جنوب ۱۵ و ۱۹، در شرق بخشی از ۴ و ۸، در غرب ۵، و در مرکز خانوارهای منطقه ۱۰، با نمونه‌گیری تصادفی مورد پرسش قرار گرفتند. در شکل دادن به‌گویه‌ها در ابتدا سعی شد مطابق با مدل‌های انجام‌شدهٔ جهانی، جملهٔ «به نظر شما برای شهروند خوب بودن چقدر اهمیت دارد که فرد کارهای خاصی را انجام دهد؟» و فهرست کارهای برآمده از هنجارها را به پاسخ‌گویان داده و از آن‌ها بخواهیم که از ۰ تا ۱۰ بر مبنای اهمیتی که برای هر کار قائل‌اند به آن نمره دهند. متأسفانه در عمل این شیوه چندان برای پاسخ‌گویان روشن نبود و آن‌ها را در پاسخ‌گویی دچار سردرگمی می‌نمود لذا برای تضمین روایی کار از نظر کارشناسان در بازبینی گویه‌ها بهره گرفته شد و تصمیم بر آن شد که ما مستقیماً نظر پاسخ‌گویان را در مورد هنجارهای شهروندی، به شیوهٔ مرسوم پرسش‌نامه‌های نگرش

سنجی، جویا شویم و اولاً ببینیم که آن‌ها تا چه حد دارای نگرش مثبت نسبت به کامل‌ترین انگارهٔ هنجارین شهروندی از نظر پژوهشگران این کار هستند و در ثانی به کمک هنجارهای مقبول نزد آن‌ها، با یک واسطه، در ادامه خود به ترسیم شمای مورد نظر آنها از یک شهروند خوب اقدام کنیم. برای ارزیابی پایایی کار نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. جدول آلفای کلی متغیرهای تحقیق که بر اساس اطلاعات پس از پیش‌آزمون تهیه شد به شرح زیر است:

جدول (۴). میزان آلفای به‌دست آمده برای هر یک از متغیرها

شاخص	ضریب پایایی
نگرش به انگارهٔ هنجارین شهروندی	۰/۸۱۹
هنجارهای اخلاقی	۰/۷۵۸
هنجارهای اجتماعی	۰/۷۲۸
هنجارهای قانونی	۰/۸۴۱

یافته‌های پژوهش

به منظور توصیف انگارهٔ هنجارین شهروندی، در ابتدا، به ارائهٔ نتایج مربوط به ابعاد تشکیل دهندهٔ آن پرداخته خواهد شد.

• هنجار اخلاقی

هنجار اخلاقی، ارزش برابری برای شهروندان را نشان می‌دهد. این هنجار از تجمیع نگرش به ارزش برابری در ابعاد مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی حاصل شده است لذا ابتدا گزارش نگرش به ابعاد آن ارائه شده سپس نگرش به تجمیع ابعاد بیان می‌شود. نگرش به هنجار برابری مدنی از تجمیع پاسخ به گویه‌های زیر به دست آمده است:

از تجمیع یافته‌ها مشخص شد که ۴۴ درصد پاسخ‌گویان نگرش مثبتی به برابری مدنی داشته‌اند و در مقابل فقط ۳ درصد نسبت به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۵۳ درصد نظر میانه اعلام کرده‌اند.

جدول (۵). گویه‌های هنجار برابری مدنی

گویه	کاملاً موافقم	مواقفم	تا حدودی موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
همه افراد باید صرف نظر از جنسیت، قومیت، دین و مذهب در برابر قانون مساوی باشند	۶۴,۶	۲۶,۹	۵,۵	۱,۷	۱,۲
افراد نباید اجازه داشته باشند هر عقیده‌ای را در جامعه ابراز کنند چرا که ممکن است برخی عقایدشان نامناسب و مضر باشد	۱۱,۷	۲۳,۴	۲۵,۷	۲۶,۲	۱۳
برخی افراد به دلیل برخی مناصب و مسئولیت‌های مهم می‌توانند از امتیازات ویژه‌ای در قانون برخوردار شوند	۹	۱۴,۲	۲۳,۴	۲۴,۷	۲۸,۷
افراد باید در انتخاب و بیان اعتقادات دینی و مذهبی‌شان آزاد باشند و نباید هیچ محدودیتی برای ادیان و مذاهب (یهودیت، مسیحیت، اسلام، تسنن، تشیع و...) وجود داشته باشد	۳۸,۲	۳۱,۴	۱۶,۷	۸,۷	۵
دولت نباید اجازه انتشار هر کتاب یا روزنامه‌ای را بدهد	۸,۲	۲۵,۴	۲۲,۷	۲۴,۴	۱۹,۲
انتقاد از حکومت منجر به تضعیف حکومت می‌شود لذا نباید به افراد اجازه این کار را داد	۰,۵	۱۲,۵	۱۷,۷	۳۳,۹	۳۰,۹

نگرش به هنجار برابری سیاسی از تجمیع گویه‌های زیر به دست آمده است:

جدول (۶). گویه‌های هنجار برابری سیاسی

گویه	کاملاً موافقم	مواقفم	تا حدودی موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
دادن حق رأی به همه افراد ضروری نیست چون برخی صلاحیت و توانایی شرکت در انتخابات و رأی دادن را ندارند	۱۴,۵	۲۰,۷	۱۶	۲۶,۷	۲۲,۲
همه گروه‌ها و احزاب سیاسی جامعه باید امکان کاندید شدن برای ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس را داشته باشند	۲۹,۷	۳۳,۷	۱۶,۷	۱۴,۲	۵,۷
دولت نباید اجازه تشکیل گروه‌هایی را بدهد چرا که این گونه فعالیت‌ها مخل نظم عمومی و امنیت ملی هستند	۷,۵	۱۶,۲	۲۴,۲	۲۸,۴	۲۳,۷

با توجه به یافته‌های به دست آمده ۳۵ درصد نگرش مثبتی به برابری سیاسی داشته‌اند و در مقابل فقط ۸ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۵۸ درصد نظر بینابین داشته‌اند. نگرش به برابری اجتماعی از تجمیع گویه‌های زیر حاصل آمده است:

جدول (۷). گویه‌های هنجار برابری اجتماعی

گویه	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی	مخالفم	کاملاً مخالفم
دولت باید برای بیکاران و ناتوانان جامعه، حداقلی از درآمد و امکان استفاده از خدمات درمانی - بهداشتی را فراهم کند	۷۰,۸	۲۱,۴	۰,۵	۱,۵	۱,۲
دولت باید امکان تحصیل رایگان تا پایان دوره متوسطه را برای همه ایرانیان فراهم کند	۷۳,۱	۱۶,۷	۷	۰,۷	۲,۵

با توجه به پاسخ‌های فوق ۹۰ درصد نگرش مثبتی به برابری اجتماعی داشته‌اند و در مقابل فقط ۱ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۹ درصد نظر بینابین داشته‌اند. نگرش به برابری فرهنگی از تجمیع گویه‌های زیر حاصل شده است:

جدول (۸). گویه‌های هنجار برابری فرهنگی

گویه	کاملاً موافق	موافق	تا حدودی	مخالف	کاملاً مخالف
از آنجا که استفاده از ماهواره دارای اثرات مخربی است دولت باید مانع استفاده از آن توسط افراد شود	۶,۲	۱۰,۵	۱۹,۲	۳۰,۹	۳۳,۲
اقوام مختلف (کردها، ترک‌ها، عرب‌ها و...) در ایران باید امکان این که مدارسی خاص خود داشته و به زبان خود تحصیل کنند را داشته باشند	۱۹,۷	۲۵,۲	۲۰,۹	۲۳,۹	۱۰,۲
افراد مختلف باید امکان اینکه به شیوه دلخواه خود لباس بپوشند را در جامعه داشته باشند و دولت نباید در این زمینه دخالت کند	۲۶,۷	۲۲,۹	۲۲,۹	۱۷,۷	۹,۷
دولت باید بر شکل روابط دختران و پسران در جامعه نظارت کند و حد روابط آن‌ها را تعیین کند	۱۱,۷	۱۹,۵	۲۵,۴	۲۷,۲	۱۶,۲
زنان در جامعه باید پوشش خود را بر مبنای قانون و شرع رعایت نمایند و دولت باید بر این امر نظارت کند	۱۴,۵	۲۴,۹	۲۶,۹	۱۸,۵	۱۵,۲
یک فرد اصالتاً ایرانی نسبت به یک افغانی تابعه ایران باید از امکانات آموزشی و اشتغال بهتری برخوردار باشد	۴۸,۶	۱۸,۵	۱۲,۵	۱۱,۷	۸,۷
به نظر من اگر برای استخدام در یک شغل دو فرد مسلمان و غیرمسلمان داوطلب باشند و شایستگی آن‌ها مساوی باشد باید فرد مسلمان را برای آن شغل استخدام کرد	۲۱,۹	۱۶,۷	۱۶,۲	۲۴,۴	۲۰,۷

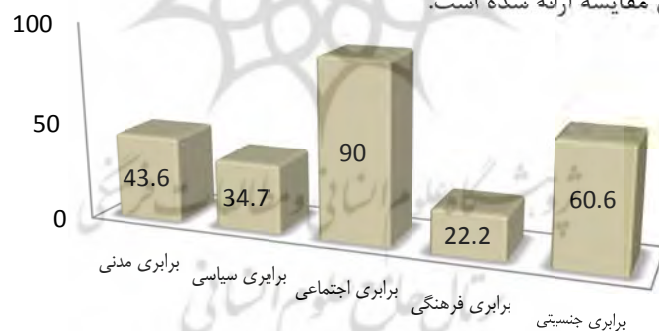
به این ترتیب ۲۲ درصد پاسخ‌گویان نگرش مثبتی به برابری فرهنگی داشته‌اند و در مقابل فقط ۱۱ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۶۶ درصد نظر بینابین داشته‌اند.

نگرش به برابری جنسیتی حاصل تجمیع پاسخ‌های گویه‌های زیر بوده است:

جدول (۹). گویه‌های نگرش به برابری جنسیتی

گویه	کاملاً موافق	موافق	تا حدودی	مخالف	کاملاً مخالف
برخی مشاغل (نظیر وزیر، رئیس جمهور، قاضی و... شدن) برای زنان مناسب نیست و آن‌ها نباید در این مشاغل حضور پیدا کنند	۹,۳	۱۳,۳	۱۶,۳	۲۹,۵	۳۱,۸
در یک شغل مشابه، حقوق یک مرد باید بیشتر از یک زن باشد چرا که مرد نان آور خانه است	۴,۸	۱۵,۸	۱۸,۵	۲۴,۳	۳۱,۵
باید با قانون گذاری مانع حضور بیشتر دختران نسبت به پسرها در دانشگاه‌ها شد چرا که این امر به لحاظ اجتماعی آسیب زا است	۴,۸	۷	۱۳,۵	۳۱,۸	۴۳
اگر برای یک شغل یک زن و یک مرد به یک اندازه صلاحیت داشته باشند باید آن شغل را به مرد متقاضی داد	۱۱	۱۹,۵	۱۴,۳	۲۵,۳	۳۰
بهتر است زنان به خانه‌داری بپردازند و مشاغل خارج از خانه را به مردان بسپارند	۸,۳	۸,۸	۱۴,۸	۳۰	۳۸,۳

۶۱ درصد پاسخ‌گویان نگرش مثبتی به برابری جنسیتی داشته‌اند و در مقابل فقط ۸ درصد به آن نگرش چندان مثبتی نداشته‌اند و در این میان ۳۱ درصد نظر بینابین داشته‌اند. در نهایت آنچه نشان از یافتن اهمیت ارزشی کامل و به‌طور واقعی تبدیل شدن هر یک از این ابعاد به یک هنجار برای پاسخ‌گویان است داشتن نگرش مثبت به این ارزش‌هاست، چرا که نگرش‌های میانه را می‌توان به درستی فاقد انگیزش کافی و دال بر پیدا نکردن کیفیت کامل هنجاری شاخص‌های یاد شده تلقی نمود. لذا در ادامه نمودار نگرش‌های مثبت به ابعاد هنجاری مورد مطالعه برای مقایسه ارائه شده است.



شکل (۳). مقایسهٔ نگرش‌های مثبت به ابعاد هنجار اخلاقی

بر مبنای نمودار (شکل ۳) بیشترین میزان نگرش مثبت، ۹۰ درصد، نسبت به گویه‌های برابری اجتماعی ابراز شده است. پس از آن حدود ۶۱ درصد پاسخ‌گویان به گویه‌های برابری جنسیتی نسبت به این بعد برابری نگرش مثبت داشته‌اند. ۴۴ درصد پاسخ‌گویان به گویه‌های برابری مدنی، در مرتبه بعد، نسبت به این گویه‌ها نگرش مثبت داشته‌اند. در مورد بعد برابری سیاسی، در حدود ۳۵ درصد پاسخ‌گویان نگرش مثبت داشته‌اند و در انتها و کم تر از همه نگرش مثبت به گویه‌های برابری فرهنگی بوده است که در حدود ۲۲ درصد بوده است.

در نهایت نگرش به هنجار اخلاقی به صورت زیر برآورد شد:

جدول (۱۰). نگرش به هنجار اخلاقی

درصد	فراوانی	نگرش به هنجار اخلاقی
۱۱/۲	۴۵	منفی
۶۷/۳	۲۷۰	میانه
۲۱/۴	۸۶	مثبت
۱۰۰	۴۰۱	جمع

جدول شماره (۱۰) حاکی از آن است که ۲۱ درصد نگرش مثبتی به هنجارهای اخلاقی داشته‌اند و در مقابل فقط ۱۱ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۶۷ درصد نظر بینابین داشته‌اند.

• هنجارهای اجتماعی

هنجار اجتماعی در اینجا نتیجه تجمیع سه هنجار مشارکت، گفتگو و هوشیاری سیاسی اجتماعی است. در ابتدا به توصیف این ابعاد می‌پردازیم.

هنجار مشارکتی حاصل تجمیع پاسخ گویه‌های زیر بوده است:

جدول (۱۱). گویه‌های هنجار مشارکتی

میزان	خیلی مهم	مهم	در حد متوسط	کم اهمیت	خیلی کم اهمیت
در انتخابات‌ها شرکت کرده و رأی بدهد	۳۰,۷	۲۴,۹	۲۱,۹	۱۳	۹,۵
در احزاب سیاسی فعالیت کند	۷,۳	۱۸,۳	۳۴,۱	۲۶,۱	۱۴,۳
با شوراهای شهر و محله برای حل مشکلات محله خود همکاری کند	۴,۳	۱۲,۸	۲۳,۳	۳۵,۸	۲۳,۸
با سازمان‌های غیردولتی (ان جی‌وها) همکاری داشته باشد	۱۲,۳	۲۰,۳	۳۷,۳	۲۰,۳	۹,۸

نگرش به انگارهٔ هنجارین شهروندی "شهروند خوب" کیست؟

با توجه به یافته‌های فوق ۳۲ درصد نگرش مثبتی به هنجار مشارکتی داشته‌اند و در مقابل فقط ۱۲ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۵۶ درصد نظر بینابینی ابراز نموده‌اند. هنجار هوشیاری از تجمیع گویه‌های زیر حاصل شده است:

خیلی کم اهمیت	کم اهمیت	در حد متوسط	مهم	خیلی مهم	
۴,۵	۱۳	۲۸	۲۸,۵	۲۶	در طول روز زمانی را به خواندن روزنامه‌ها و سایت‌های خبری مختلف اختصاص دهد
۳,۳	۶,۸	۱۸,۵	۳۳,۸	۳۷,۸	نسبت به عملکرد حکومت و دیگر شهروندان بی تفاوت نباشد و در صورت مشاهدهٔ عملکرد نادرست ایشان به انتقاد از آن‌ها بپردازد
۵,۸	۹,۵	۲۲,۸	۳۴,۵	۲۷,۵	اگر کار نادرستی از حکومت یا دیگر شهروندان دید به اعتراض علنی نسبت به آن‌ها بپردازد

با توجه به یافته‌های به دست آمده ۵۰ درصد نگرش مثبتی به این هنجار داشته‌اند و در مقابل فقط ۴ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۴۶ درصد نظر بینابین داشته‌اند. و در انتها، هنجار گفتگویی حاصل تجمیع گویه‌های زیر بوده است:

جدول (۱۲): گویه‌های هنجار گفت‌وگویی

خیلی کم اهمیت	کم اهمیت	در حد متوسط	مهم	خیلی مهم	میزان
۸	۱۵,۵	۳۰,۵	۲۸,۸	۱۷,۳	سعی کند پیرامون مسائل سیاسی و اجتماعی با دیگران بحث و گفت‌وگو کند
۳,۳	۸,۸	۱۷,۵	۳۶,۳	۳۴,۳	سعی کند دلایل رفتار و گفتار دیگران را درک کند
۴,۵	۱۰,۸	۲۴,۸	۳۲	۲۸	عقایدی مستقل از دیگران برای خودش داشته باشد و در گفتگو از عقایدش دفاع کند

به این ترتیب، ۴۳ درصد پاسخ‌گویان نگرش مثبتی به هنجار گفتگویی داشته‌اند و در مقابل فقط ۶ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۵۰ درصد نظر بینابین داشته‌اند. در نهایت می‌توان بر مبنای نمودار زیر نگرش‌های مثبت به ابعاد هنجار اخلاقی را مشاهده کرد:

شکل (۴). نمودار نگرش‌های مثبت به ابعاد هنجار اخلاقی

بر مبنای نمودار شکل (۴) حدود ۵۰ درصد پاسخ‌گویان نگرش مثبتی به هنجار هوشیاری سیاسی - اجتماعی داشته‌اند، حدود ۴۳ درصد نگرشی مثبت به هنجار گفت‌وگویی داشته‌اند و در پایین‌ترین مرتبه از ابعاد هنجارهای اجتماعی هنجار مشارکتی با حدود ۳۰ درصد نگرش مثبت قرار داشته‌است.

در نهایت از تجمیع سه بعد یاد شده، نگرش به هنجار اجتماعی جدول شماره ۱۴ به‌دست آمده است، که حاکی از آن است که ۳۴ درصد نگرش مثبتی به هنجار اجتماعی داشته‌اند و در مقابل فقط ۴ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۶۲ درصد نظر بینابین داشته‌اند.

جدول (۱۴). نگرش به هنجار اجتماعی

درصد	فراوانی	نگرش به هنجارهای اجتماعی
۴/۲	۱۷	منفی
۶۱/۸	۲۴۸	میانه
۳۳/۹	۱۳۶	مثبت
۱۰۰	۴۰۱	جمع

• هنجار قانونی

هنجار قانونی از تجمیع گویه‌های زیر حاصل شده است:

نگرش به انگارهٔ هنجارین شهروندی "شهروند خوب" کیست؟

گویه	خیلی مهم	مهم	در حد متوسط	کم اهمیت	خیلی کم اهمیت
مالیات بدهد	۳۶,۳	۲۱,۵	۲۴,۳	۱۱	۷
خدمت نظام وظیفه انجام بدهد	۳۶,۴	۲۳,۹	۱۹,۵	۱۲	۸,۲
در هر حالتی از قوانین و مقررات کشور پیروی کند	۲۷,۳	۲۷,۳	۲۷,۳	۱۳	۵,۳
در زمان جنگ به عنوان سرباز کشور به دفاع از آن بپردازد	۵۵,۳	۲۶,۳	۱۲,۳	۳,۸	۲,۵
اگر جرمی مقابل او به وقوع پیوست آن را به مسئولین مربوطه گزارش کند	۳۵,۳	۳۷	۱۶,۵	۷,۳	۴

در مجموع نگرش به هنجار قانونی به ترتیب زیر بوده است:

جدول (۱۵). گویه‌های هنجار قانونی

هنجار قانونی	فراوانی	درصد
منفی	۲۳	۵/۷
میانه	۱۹۳	۴۸/۱
مثبت	۱۸۵	۴۶/۱
جمع	۴۰۱	۱۰۰

با توجه به یافته‌های فوق ۴۶ درصد نگرش مثبتی به هنجار قانونی داشته‌اند و در مقابل فقط ۶ درصد به آن نگرش مثبت نداشته‌اند و در این میان ۴۸ درصد نظر بینابین داشته‌اند. نهایتاً می‌توان نگرش‌های مثبت به ابعاد انگارهٔ هنجارین شهروندی را در قالب نمودار زیر مشاهده کرد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل (۵). نگرش‌های مثبت به ابعاد مختلف انگارهٔ هنجارین شهروندی

بر مبنای نمودار (شکل ۵) که بیانگر نگرش‌های مثبت به ابعاد انگارهٔ هنجارین شهروندی ارائه شده است، بیشترین هنجاری که نگرش مثبت افراد را به خود معطوف داشته هنجار قانونی با ۴۶ درصد نگرش مثبت به گویه‌هایش است. پس از آن هنجار اجتماعی با ۳۴ درصد نگرش مثبت قرار داشته و در مرتبهٔ آخر هنجار اخلاقی با حدود ۲۱ درصد نگرش مثبت نسبت به ابعادش قرار داشته است. نهایتاً نگرش به انگارهٔ هنجارین شهروندی از تجمیع سه بعد هنجاری اصلی در جدول شماره (۱۷) برآورد شد:

جدول (۱۷). نگرش به انگارهٔ هنجارین شهروندی

انگارهٔ هنجارین شهروندی	فروانی	درصد
منفی	۳۲	۸,۵٪
میانه	۲۴۱	۶۰,۵٪
مثبت	۱۲۳	۳۱٪

به این ترتیب ۸,۵ درصد افراد پاسخ‌گو نگرش منفی به انگارهٔ هنجارین شهروندی داشته‌اند. ۶۰,۵ درصد نگرشی میانه و ۳۱ درصد نگرشی مثبت به این انگاره داشته‌اند.

پیش از تحلیل داده‌های فوق‌الذکر، اشاره به رابطهٔ برخی متغیرهای زمینه‌ای نظیر پایگاه اقتصادی، تحصیلات، سن و جنس با داشتن نگرش مثبت نسبت به انگارهٔ هنجارین شهروندی در خور توجه به نظر می‌رسد.

در مورد رابطه بین پایگاه اجتماعی افراد و نگرش به انگاره هنجارین شهروندی، نتایج حاصل از آزمون مربع خي ($\chi^2=8/883$) که در سطح معناداری ($Si g=0/044$) برآورد شده نشان می‌دهد که افراد متعلق به پایگاه اجتماعی پایین حدود ۱۷ درصد نگرش منفی، ۷۱ درصد نگرش بینابین و ۱۲,۵ درصد نگرش مثبت به انگارهٔ هنجارین شهروندی داشته‌اند. این ارقام در پایگاه اجتماعی متوسط به ۲۶,۴ درصد نگرش منفی، ۱۰,۸ درصد نگرش مثبت می‌رسد. در میان افراد با پایگاه اجتماعی بالا ۱۶ درصد نگرش منفی، ۶۴,۵ درصد بینابین و بیش از ۱۹ درصد نگرش مثبت به دست آمده است. بنابراین با توجه به آزمون آماری و سطح معناداری می‌توان به رابطه‌ای مستقیم و معنادار بین دو متغیر قائل بود و بیان کرد که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد نگرش آن‌ها نسبت به انگارهٔ شهروندی مورد نظر ما مثبت‌تر شده است.

جدول (۱۸). رابطه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و نگرش آن‌ها به انگاره هنجارین شهروندی

کل	بالا	متوسط	پایین	نگرش	
				پایگاه	منفی
۲۱,۷	۱۶,۱	۲۶,۴	۱۶,۷	درصد	منفی
۶۵,۱	۶۴,۵	۶۲,۷	۷۰,۸	درصد	میانه
۱۳,۲	۱۹,۴	۱۰,۸	۱۲,۵	درصد	مثبت
۴۰,۱	۹۳	۲۱۲	۹۶	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

Chi-Square	d.f	sig	Kendall tau b
۸,۸۸	۴	۰,۰۳۱	۰,۱۷

در مورد رابطه بین جنسیت و نگرش به انگاره هنجارین شهروندی، نتایج حاصل از آزمون مربع خي ($\chi^2=6/962$) که در سطح معناداری ($sig = 0/031$) است نشان می‌دهد که بین دو متغیر مذکور رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر جنسیت بر نگرش افراد به انگاره هنجارین شهروندی موثر است. چنان‌که مشاهده می‌شود ۱۴ درصد از زنان به انگاره هنجارین شهروندی نگرش مثبت داشته‌اند و در مقابل ۱۲,۵ از مردان نگرش مثبت خود را ابراز داشته‌اند. به همین ترتیب ۱۶,۱ درصد زنان نگرش منفی به انگاره داشته‌اند اما در مقابل ۲۶,۹ درصد مردان نگرش منفی خود را ابراز نموده‌اند. به این ترتیب زنان در مقایسه با مردان نگرش مثبت‌تری نسبت به انگاره هنجارین شهروندی داشته‌اند.

جدول (۱۹). بررسی رابطه جنسیت و نگرش افراد به انگاره هنجارین

کل	مرد	زن	پایگاه	
			نگرش جنسیت	منفی
۲۱,۷	۲۶,۹	۱۶,۱	درصد	منفی
۶۵,۱	۶۰,۶	۶۹,۹	درصد	میانه
۱۳,۲	۱۲,۵	۱۴	درصد	مثبت
۴۰,۱	۲۰,۸	۱۹۳	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	

Chi-Square	d.f	sig	Cramer v
۶,۹۶۲	۲	۰,۰۳۱	۰,۱۳۲

در مورد رابطه بین میزان تحصیلات افراد و نگرش به انگاره هنجارین شهروندی، نتایج حاصل از آزمون مربع خي ($X^2=31/045$) که در سطح معناداری ($sig = 0/002$) است نشان می‌دهد که بین دو متغیر فوق رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر میزان تحصیلات بر نگرش افراد به انگاره هنجارین شهروندی موثر است. به طوری که بالاترین نگرش مثبت در تحصیلات لیسانس و فوق لیسانس به چشم می‌خورد.

جدول (۲۰). رابطه میزان تحصیلات و نگرش افراد به انگاره هنجارین شهروندی

کل	دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	سیکل	بی سواد	نگرش	
								درصد	نسبت
۲۱,۷	۰	۱۷,۶	۲۰,۸	۲۰,۸	۲۱,۸	۲۷,۸	۴۰	درصد	منفی
۶۵,۱	۱۰۰	۵۲,۹	۵۶,۴	۷۱,۷	۶۸,۷	۷۰,۴	۴۰	درصد	میانہ
۱۳,۲	۰	۲۹,۴	۲۲,۸	۷,۵	۹,۵	۱,۹	۲۰	درصد	مثبت
۴۰۱	۷	۳۴	۱۰۱	۵۳	۱۴۷	۵۴	۵	نسبت	فراوانی
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کل	کل

Chi-Square	d.f	sig	Kendall tau c
۳۱,۰۴۵	۱۲	۰,۰۰۲	۰,۱۳۶

در انتها و برای سنجش فرضیه وجود رابطه بین احساس شهروندی (یعنی احساس محقق شدن منزلت شهروندی در جامعه) و نگرش به هنجارهای انگاره شهروندی از ماتریس همبستگی استفاده کردیم که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول (۲۱). ماتریس همبستگی بین احساس شهروندی و هنجارهای انگاره شهروندی

نام متغیر	هنجار اخلاقی	هنجار اجتماعی	هنجار قانونی	احساس شهروندی
هنجار اخلاقی	۱	*	*	*
هنجار اجتماعی	-۰/۰۰۶	۱	*	*
هنجار قانونی	-۰/۱۷۵**	۰/۴۴۱**	۱	*
احساس شهروندی	-۰/۵۱۴**	۰/۳۴۵**	۰/۱۹۳**	-

** معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه) * معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

طبق یافته‌های فوق احساس شهروندی در سطح معناداری ۰,۰۵ دارای همبستگی با هر سه بعد هنجارهای انگاره یعنی هنجارهای اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و هنجارهای قانونی بوده است. شدت این رابطه با هنجارهای اخلاقی قوی، با هنجارهای اجتماعی متوسط و با هنجارهای قانونی ضعیف بوده است. همچنین جهت رابطه بین هنجارهای اخلاقی و احساس شهروندی منفی و بین دوبعد دیگر و احساس شهروندی مثبت بوده است.

نتیجه‌گیری

شهروند خوب از نظر شهروندان ما چه کسی است؟ شهروند خوب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد و، به عبارت دیگر، چه هنجارهایی را رعایت کند؟ یافتن پاسخ این سؤال ضروریست چرا که تصویری که افراد از شهروندی خوب دارند، بنا بر خاصیت هر امر هنجارین دیگری، خود می‌تواند به تحقق منزلت شهروندی خاصی در آینده منجر شود. در عین حال یافتن پاسخی روشن و سرراست به این سؤال امری چندان آسان نیست. در جست‌وجوی پاسخ به سؤال مذکور در این پژوهش، با اذعان به اهمیت نقش هنجارها در انتخاب‌ها و کنش‌های فردی، سعی شد انگاره‌های هنجارین از نقش شهروندی ساخته و اهمیت ابعاد هنجاری آن در بعد نگرشی شهروندان تهرانی سنجیده شود تا به کمک شناسایی ابعادی از شهروندی که برای خود شهروندان دارای بار ارزشی و هنجاری شده‌اند تصویری از شهروندی مطلوب نظر آن‌ها، در گام بعدی حاصل آید.

ابعاد هنجاری اتخاذ شده در این انگاره، ناظر بر دو بعد اصلی نقش شهروندی بوده‌اند، یعنی حقوق و مسئولیت‌های این نقش. بنا به نظر الستر که عنوان می‌کند سه گروه هنجاری اخلاقی، اجتماعی و قانونی به حقوق و تکالیف هر نقش شکل می‌دهد در این کار نیز این سه بعد هنجاری در حقوق و تکالیف شهروندی جست‌وجو شدند. از آنجا که هنجارهای اخلاقی عمدتاً معطوف به حقوق نقش‌ها هستند، هنجارهای مربوط به بعد حقوقی شهروندی تحت عنوان هنجارهای اخلاقی مورد بررسی قرار گرفتند. این هنجارها تعیین می‌کنند که شهروندان برای جایگاه شهروندی خود چه حقوقی را مطالبه می‌کنند و برای دیگر شهروندان نیز چه حقوقی قائل‌اند. هنجار اخلاقی مرکزی در این جا، با تکیه بر متون شهروندی، حق برابر دیده شدن به عنوان شهروند است. برابری در ابعاد پنج گانه برابری مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی دیده شده است. اعتقاد به این ابعاد که حاکی از رشد ارزشهای دموکراتیک در جامعه است نشان از میزان امکان ارتقای منزلت برابر شهروندی با تکیه بر شهروندان برابری‌خواه دارد.

نمودار میزان نگرش‌های مثبت به ابعاد هنجار برابری حاکی از آن بوده است که در این هنجار بالاترین اقبال به برابری اجتماعی بوده است. در تفسیر دلیل این امر که در تضادی آشکار با نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های جهانی یاد شده قرار دارد می‌توان به تفاوت نقش شهروندان در

کشورهای غربی و ایران در تحقق این مهم اشاره کرد. لذا مشخصاً در این جا ما شاهد بالاترین اهمیت برای هنجاری هستیم که شهروندان به طور تقریبی نقش و هزینه‌چندانی در عملیاتی کردن آن برای خود قائل نبوده، با توجه به کم بودن ارتباط مالیات و بهروزی طبقات اجتماعی در ایران، اجرای آن را وظیفه دولت، و دولت را مجزا از خود، می‌دانند. پس از آن هنجارهای برابری جنسیتی که بعدی متأخر از شهروندی بوده است قرار گرفته، که می‌تواند برآمده از حضور روزافزون زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی باشد، و بعد از آن هنجارهای مدنی و سیاسی قرار داشته‌اند. برابری فرهنگی که به صورت متأخر در نظریه‌های چندفرهنگی و پست مدرن مطرح شده است آخرین مرتبه اقبال را به خود اختصاص داده‌اند که نشان دهنده عدم پذیرش سبک‌های زندگی متفاوت و خاص‌گرایی فرهنگی در بین شهروندان بوده است. به‌علاوه هنجار برابری فرهنگی نه تنها دارای کمترین میزان نگرش مثبت بوده بلکه بیشترین میزان نگرش منفی را نیز در بین کل هنجارها به خود اختصاص داده است. به این ترتیب قابل تصور است که در ترسیم چهره یک شهروند خوب سهم اعتقاد به برابری فرهنگی از همه ابعاد هنجارهای اخلاقی کمتر و سهم هنجار برابری اجتماعی از همه بیشتر باشد. البته گذشته از تفسیری که در زمینه عدم رابطه این امر با مالیات‌دهی در ایران ذکر شد باید خاطر نشان کرد که هنجار کمک به دیگران و لزوم برخورداری همه افراد جامعه از خدمات بهداشتی و آموزشی سال‌ها در ایران ریشه داشته و چه در شعارهای انقلابی و بعدتر در بندهایی از قانون اساسی و چه در رشد انجمن‌های خیریه‌ای در دهه اخیر می‌توان رد پای آن را مشاهده کرد. در مقابل هنجاری مثل برابری فرهنگی که نیازمند بارور شدن فرهنگ مدارا و پذیرش تفاوت‌ها در جامعه است تا تبدیل شدن به یک ارزش و هنجار همه گیر شهروندی هنوز راه زیادی در پیش دارد.

اما هنجارهای مربوط به مسئولیت‌های شهروندی: این هنجارها در قالب دو بعد تعهدات و وظایف شهروندی بررسی شدند. هنجارهای اجتماعی به تعهدات شهروندان بازمی‌گردند که تثبیت آن‌ها در بعد نگرشی حاکی از بلوغ جوامع است. این هنجارها متشکل از ابعاد هنجارهای مشارکتی، هنجارهای گفت‌وگویی و هنجارهای هوشیاری سیاسی - اجتماعی‌اند. این هنجارها دارای پشتوانه اجبار حکومتی و در نتیجه برخوردار از تبلیغات حکومتی در راستای ارزشمندی‌شان نیستند و اعتقاد به آن‌ها مؤید رشد هنجاری جامعه است. هنجارهای قانونی هنجارهای معطوف به وظایف قانونی افراد اند و اصولاً هنجارهای مورد تأکید و مطالبه حکومت‌ها هستند. با این حال آن‌ها حداقل‌های هنجاری در تنظیم روابط شهروندان با هم و با حکومت به حساب می‌آیند.

در بررسی اقبال به ابعاد هنجارهای اجتماعی می‌توان به نکاتی چند اشاره نمود. در بین این هنجارها، هنجار هوشیاری سیاسی - اجتماعی که ناظر به نظارت بر عملکرد حکومت، انتقاد بر آن و اعتراض نسبت به کژروی‌های آن بوده است بالاترین اقبال را به خود اختصاص داده‌است، پس از

آن هنجارهای گفت‌وگویی قرار دارد و در انتها هنجارهای مشارکت سیاسی - اجتماعی قرار گرفته است که می‌توان این جایگاه انتهایی داشتن را به پرهزینه بودن آن و نیازمندی‌اش به بسترسازی‌های بلندمدت نسبت داد. به علاوه در تفسیر این ترتیب‌گرایش هنجاری در هنجارهای اجتماعی می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که از شاخص‌های هنجار هوشیاری تا هنجارهای مشارکتی شاهد حرکت از اعمالی هستیم که می‌توانند به صورت فردی انجام شوند، نظیر پی‌گیری اخبار و وقایع کشور، تا کنش‌هایی که نیازمند حرکت جمعی‌اند، از شرکت در یک گفت‌وگو تا مشارکت در یک جمع با اهداف اجتماعی و سیاسی. لذا شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که بخشی از این اولویت‌ارزشی - هنجاری به ترجیح عمل فردی نسبت به عمل جمعی در بین افراد جامعه ارجاع دارد. بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که از نظر پاسخ‌گویان، برای شهروندی خوب بودن بیشتر ضرورت دارد که فرد دارای هوشیاری سیاسی اجتماعی باشد تا آن‌که مشارکت کلامی (گفت‌وگو) و یا عینی (در انتخابات و احزاب و...) داشته باشد. البته باید مد نظر داشت که این ترجیح‌ارزشی می‌تواند تا حدودی برآمده از بستر زمانی اجرای تحقیق بوده باشد.

اما جایی که ما شاهد بالاترین میزان اقبال هستیم سطح قانونی است، یعنی اموری نظیر رعایت قانون، انجام خدمت وظیفه، و مالیات‌دهی بار هنجاری جدی‌تری در اذهان داشته است. این اقبال به نخستین سطح هنجارهای شهروندی باعث می‌شود تصویر شهروند خوب ایرانی چیزی نزدیک به الگوی کشورهای اروپای شرقی، در مقام مقایسه، شود. در حالی که در سطح اخلاقی، که ناظر به تثبیت ارزش‌های دموکراتیک در اذهان شهروندان است، شاهد پایین‌ترین حد بوده‌ایم. از این منظر شاید بتوان بر نقش پررنگ حکومت‌ها در تثبیت هنجارهای قانونی که تضمین‌بخش حفظ امنیت برای شهروندان بار دیگر صحنه‌گذار. اما، چنان‌که گفته شد این نخستین و پایه‌ای‌ترین سطح هنجاری ممکن در نظم بخشی به سیاست مدرن محسوب می‌شود و انتظار بر این است که با بلوغ هرچه بیشتر جوامع شاهد ارتقاء دو سطح دیگر، حتی بیش از سطح قانونی باشیم چرا که به‌نظر می‌رسد هرچه از عمر تجربه دموکراسی در کشورها می‌گذرد هنجارهای اجتماعی و پیدا کردن باور ارزشی به تعهدات غیراجباری شهروندی برای شهروندان پررنگ‌تر می‌شود.

در بخش پژوهش جهانی اشاره شد که هنجارهای انتخاب شده، به مثابه ایده‌آل‌های شهروندی، در قالب‌های ارزشی - هنجاری تا حدی متفاوت از آنچه ما در این پژوهش انجام داده‌ایم در جوامع مختلف با منزلت‌های شهروندی تثبیت شده متفاوت سنجیده شده‌اند. نتایج این سنجش‌ها حاکی از آن است که برای مثال در کشورهای اسکاندیناویایی نگرش به همه ابعاد هنجاری به‌طور تقریباً یکسان در بالاترین حد ممکن بوده است و به‌طور نمونه از هر چهار پاسخ‌گو در سوئد سه نفر به‌طور کامل به اهمیت همه هنجارها باور داشته است. پس از آن‌ها در کشورهای اروپای غربی و آمریکا هنجارهای اجتماعی که بیشتر برآمده از مدل‌های لیبرالی شهروندی بوده‌اند، و نزدیک به هنجارهای

اجتماعی در پروژه حاضرند، مورد اقبال بیشتری قرار داشته‌اند و نهایتاً در کشورهای اروپای شرقی که عمر چندانی از استقلال آن‌ها از بلوک کمونیستی نگذشته است هنجارهای قانونی دارای بالاترین اقبال بوده‌اند، که در تحلیل‌ها از آن‌ها به عنوان ابعاد هنجاری بازمانده از خواست حکومت‌های پیشین - و البته نظام‌های کنونی چرا که همه حکومت‌ها مبلغ و خواهان اجرای این هنجارها هستند- یاد می‌شود. به علاوه لازم به ذکر است که هنجارهای مبتنی بر خواست بهزیستی و رفاه اجتماعی در سطح برابر برای دیگر شهروندان در تمامی کشورهای مورد مطالعه در مرتبه آخر قرار داشته است که، همان‌طور که گفته شد، آن را با لزوم تحمل بار مالیاتی سنگین‌تر برای شهروندان شاغل و برخوردار و مرتبط با حضور فراگیر ارزش‌های لیبرالی در جوامع غربی تحلیل نموده‌اند.

در مورد نگرش جامعه ما به کل انگاره هنجارین شهروندی باید اذعان داشت که گرچه میزان نگرش منفی به انگاره هنجارین شهروندی در این جا بسیار پایین بوده است (تنها ۸٫۵ درصد) با این حال میزان نگرش مثبت نیز چندان بالا نبوده (۳۱ درصد) و حجم قابل توجهی از پاسخ‌گویان نگرشی بینابینی به هنجارهای شهروندی داشته‌اند (۶۰٫۵٪). از آن‌جا که در این کار تنها به بررسی نگرش شهروندان و نه کنش‌های ایشان پرداخته شده، و طبیعتاً داشتن نگرش مثبت به این امور به مراتب راحت‌تر از عمل کردن در راستای این هنجارهاست، انتظار می‌رود که در صورت بررسی تحقق عینی شهروندی فعال در جامعه شاهد ریزش حجم وسیعی از طبقه بینابینی به طبقه افرادی که مبتنی بر این هنجارها عمل نمی‌کنند باشیم. لذا این نتیجه، حتی اگر آن را برآمده از میل عمومی پاسخ‌گویان به انتخاب گزینه‌های میانی بدانیم، لزوم آموزش و هنجارسازی رسمی و غیررسمی در این حوزه را بار دیگر یادآور می‌شود. به‌ویژه هنجارسازی و تبلیغات رسمی را، همان‌طور که دیده شد هنجارهای مطلوب و مورد تبلیغ دولت یعنی هنجارهای قانونی دارای بالاترین اهمیت هنجاری در ذهن پاسخ‌گویان بوده‌اند. براساس مطالعات در مورد کشورهای اروپای شرقی نیز این نتیجه مصداق دارد و مؤید نقش همچنان مسلط دولت و ساختارهای آموزشی در روندهای هنجارسازی و درونی نمودن هنجارهاست.

به این ترتیب بنا برآنچه ذکرش رفت، ما هنوز تا باور کامل به تمام ابعاد هنجاری انگاره هنجارین شهروندی و داشتن تصویری از شهروند خوب به عنوان فردی که متعهد به تمامی این ابعاد باشد، یعنی چیزی نزدیک به مدل کشورهای اسکاندیناویایی، فاصله داریم. شهروند خوب در ذهن جامعه ما بیش از هرچیز فردی متعهد به قانون است، توجه داشته باشیم که در این جا بعد هنجاری پیدا کردن این شاخصه اهمیت دارد نه به بوتۀ عمل درآمد آن، این فرد باید هوشیاری سیاسی - اجتماعی داشته و البته تا حدی اهل گفت‌وگو و بحث با دیگران باشد و در حدی کمتر از آن اهل مشارکت. در لزوم اعتقاد او به برابری اجتماعی شکی نیست اما سطح مدارای فرهنگی بالا داشتن شاخصی ضروری در تعریف او محسوب نمی‌شود. این که گفت‌وگوی بی مدارای فرهنگی به کجا

می‌انجامد و وظیفه محوری حداقلی منهای مشارکت عمیق چه نتایجی به بار می‌آورد بحثی است که ما را به لزوم ارتقای بار هنجاری این ویژگی‌ها به‌طور متناسب و در کنار هم ملزم می‌سازد. اگر بخواهیم آن‌گونه که باید نظامی پویا و فعال و در عین حال با ثبات داشته باشیم همان‌طور که آلموند و وربا به نوعی گفته بودند نیازمند نوعی از شهروند در جامعه هستیم که خودآگاه و انتقادگر و فعال و در عین حال مشارکت جو و متعهد باشد. شهروندی که برابری نهفته در مفهوم شهروندی را به عنوان اصلی معطوف به سایر همگنانش پذیرفته باشد و این‌همه در بدو امر نیازمند درونی شدن هنجارهای بعضاً متناقض نمای یادشده در این کار و نقش بستن تصویر شهروند خوب به عنوان فردی متعهد به تمامی این ارزش‌ها و هنجارها در ذهن شهروندان است.

در انتهای کار لازم است به برخی شرایط زمینه‌ای که با نگرش به انگاره هنجارین شهروندی رابطه داشته‌اند اشاره‌ای کنیم. پایگاه اجتماعی و اقتصادی و تحصیلات دارای رابطه معنادار و مثبت با نگرش به انگاره بوده‌اند و هرچه پایگاه بالاتر و تحصیلات بیشتر بوده شاهد نگرش در مجموع مثبت‌تری به هنجارها بوده‌ایم. جنسیت نیز رابطه معناداری داشته، زنان بیشتر دارای نگرش مثبت به انگاره هنجارین شهروندی بوده‌اند. رابطه آخری که باید از آن سخن گفت رابطه میان احساس تحقق شهروندی در جامعه و نگرش مثبت به هنجارهای شهروندی است. هرچه فردی بیشتر حس می‌کرده که شهروندی در جامعه محقق شده دارای نگرش مثبت‌تری نسبت به هنجارهای قانونی و اجتماعی بوده است. با این حال جهت رابطه در زمینه هنجارهای اخلاقی معکوس بوده است. به این معنا که افرادی که معتقد بوده‌اند منزلت شهروندی در جامعه آن‌قدر و آن‌طور که باید محقق نشده افرادی بوده‌اند که شهروندی خوب برایشان با باور به برابری بیشتر تنیده شده بوده است. برای تحلیل این موضوع در مقاله‌ای دیگر به واکاوی رابطه اعتماد اجتماعی، احساس شهروندی و نگرش به هنجارها پرداخته‌ایم.

منابع

- آرنت، هانا (۱۳۸۹)، *وضع بشر*، ترجمه مسعود علیا، تهران: ققنوس.
- آرنت، هانا (۱۳۹۰)، *توتالیتاریسم*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث، چاپ سوم.
- آرنت، هانا (۲۰۰۷)، *مسئولیت شخصی در دوران دیکتاتوری*، ترجمه بنیاد عبدالرحمن برومند.
- آلتنبند جانسون، پاتریشیا (۱۳۸۵)، *فلسفه هانا آرنت*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات طرح نو.
- الوانی، سیدمهدی و دانایی فرد، حسن (۱۳۸۰)، *مدیریت دولتی و اعتماد عمومی*، دانش مدیریت، شماره ۵۵.
- افه، کلاوس (۱۳۸۴)، *چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟*، کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، *درس‌های دموکراسی برای همه*، تهران: نگاه معاصر، چاپ سوم.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۴)، *جامعه برخورددار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی*، کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- پاتنم، هیلاری (۱۳۸۵)، *دوگانگی واقعیت/ارزش*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: نشر مرکز.
- پدرام، مسعود (۱۳۸۸)، *سپهر عمومی: روایتی دیگر از سیاست: نظریات آرنست و هابرماس*، تهران: یادآوران.
- پروکاک، جیوانا (۱۳۸۸)، *شهروندی و حکومت مندی*، ترجمه فرامز تقی‌لو، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی کتاب راهنمای جامعه شناسی سیاسی.
- پنسکی، مکس (۱۳۸۸)، *جامعه، اخلاق و حقوق: یورگن هابرماس*، ترجمه محمدعلی قاسمی، کتاب جامعه شناسی سیاسی؛ جلد اول، ویراسته کیت نش و آلن اسکات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴)، *نظریه شهرشناسی در ایران، فصلنامه اندیشه ایرانی شهر*، شماره ششم، سال دوم.
- پیران، پرویز (۱۳۸۵)، *شهروندی از حقوق تا مسئولیت، مجله نامه*، شماره ۵۳.
- پیران، پرویز (۱۳۸۵)، *هویت ملی جامعه ایران، دوماهنامه چشم انداز ایران*، شماره ۴۰.
- گی، ماری (۱۳۸۸)، *شهروند در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد و دموکراسی*، کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- تانگ، رزمی (۱۳۸۷)، *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- توسلی، عباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳)، *واقعیت جامعه شناختی شهروندی در ایران، مجله جامعه شناسی ایران*، دوره پنجم، شماره دوم.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴)، *جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- حاجی‌نیا، احمدنور (۱۳۸۶)، "بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی و عمل شهروندی جوانان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حبیب‌پور، کرم و صفری، رضا (۱۳۸۸)، *راهنمای جامع کاربرد اس‌پی‌اس‌اس در تحقیقات پیمایشی*، تهران: مؤسسه راهبرد پیمایش.
- داوودوندی، طاهره (۱۳۸۸)، "بررسی عوامل مؤثر بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه آزاد اسلامی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دواس، دی‌ای (۱۳۸۳)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- دوتوکویل، آلکسی (۱۳۸۳)، *تحلیل دموکراسی در آمریکا*، ترجمه رحمت‌الله مراغه‌ای، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.

- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۱)، اخلاق شهروندی: رابطه هویت جمعی و ارزش‌های دیگر خواهانه، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*: شماره ۴.
- روشه، گی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۴)، *نظریهٔ جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ دهم.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷)، *اعتماد: نظریهٔ جامعه‌شناختی*، ترجمهٔ غلامرضا غفاری، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، چاپ دوم.
- سویسال، یاسمین (۱۳۸۸)، *شهروندی پساملی: پیکربندی دوبارهٔ قلمرو آشنا*، ترجمهٔ فرامز تقی‌لو، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات راهبردی کتاب راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی.
- شاو، لی برد (۱۳۸۰)، *فلسفهٔ سیاسی هانا آرنست*، ترجمهٔ خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- شاه طالبی، بدری و قلی‌زاده، آذر و شریفی، سعید (۱۳۸۸)، تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در حیطهٔ ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دورهٔ راهنمایی، *فصلنامهٔ رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، سال دوم، شمارهٔ پنجم.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی در استان لرستان، *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، دورهٔ چهارم، شمارهٔ سوم، صص ۶۰-۸۰.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲)، "وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران"، رسالهٔ دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شیانی، ملیحه و فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۸)، میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی، *مجلهٔ راهبرد یاس*، شمارهٔ ۱۸.
- صرافی، مظفر و عبداللهی، مجید (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شمارهٔ ۶۳.
- صفاری، یوسف (۱۳۸۶)، "بررسی گرایش به حقوق برابر شهروندی بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تهران"، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- عظیمی، غلامرضا و شایستهٔ مجد، عالیه (۱۳۸۸)، مفهوم سازی از ایدهٔ شهروندی، *فصلنامهٔ تحقیقات علوم اجتماعی ایران*، سال اول، شمارهٔ سوم.
- علیپور، حسن (۱۳۸۸)، *اخلاق و دموکراسی*، تهران: نشر پایان.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۲)، *درآمدی بر وضعیت اعتماد اجتماعی در ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، *شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی*، منتشر شده در تایخ ۱۸ مهر در سایت <http://www.farhangshenasi.com>

- فاطمی نیا، سیاوش (۱۳۸۶)، "عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱)، *شهروندی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*، کتاب سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- فیلد، جان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۳) *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟* ترجمه هرمز همایون پور، تهران: مؤسسه عالی پژوهش اجتماعی و انتشارات گام نو، چاپ دوم.
- قادری، حاتم (۱۳۹۰) دولت هم برود شهروند نمی‌آید، در گفت‌وگو با عباس کاظمی، *هفته نامه شهروند امروز*، سال چهارم، شماره ۸۳.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۹)، *استبداد در ایران*، تهران: نشر کتاب آمه، چاپ چهارم.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۷)، *در پیرامون خودمداری ایرانیان*، تهران: نشر اختران، چاپ پنجم.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۲)، *نظریه هنجاری و چالش‌های پیش روی آن در دنیای جهانی شده*، *فصلنامه گفتمان*، شماره هشت.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۶)، *اقتصاد سیاسی ایران*، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیز، تهران: نشر مرکز، چاپ سیزدهم.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۸۸)، *تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علی رضا طیب، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- کاستلز، استفان و دیویدسون، آلستر (۱۳۸۲)، *مهاجرت و شهروندی*، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کرایب، یان (۱۳۸۶)، *نظریه اجتماعی کلاسیک*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: آگه، چاپ سوم.
- کریمی، یوسف (۱۳۸۴)، *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۸)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- منوچهری، عباس و نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۵)، *درآمدی بر نظریه شهروندی* گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۹.
- لیستر، راث (۱۳۸۸)، *شهروندی و جنسیت*، ترجمه محمدعلی قاسمی، *کتاب جامعه‌شناسی سیاسی*، جلد دوم، ویراسته کیت نش و آلن اسکات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- منسبریچ، جین و مولر اوکین، سوزان و کیملیکا، ویل (۱۳۸۷)، *دو جستار دربارهٔ فلسفهٔ سیاسی فمینیسم*، ترجمهٔ نیلوفر مهدیان، تهران: نشر نی.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۹)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دوران، چاپ سی و نهم.
- محمدی، محمدعلی و شیانی، ملیحه (۱۳۸۹)، *هویت شهروندی و راهکارهای ارتقاء آن در شهر تهران*، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، معاونت پژوهشی.
- نایی، هوشنگ (۱۳۸۷)، *برنامهٔ کامپیوتری آمار در علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات روش.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰)، *جهانی شدن و آیندهٔ دموکراسی: منظومهٔ پساملی*، ترجمهٔ کمال پولادی، تهران: نشر مرکز.
- هلد، دیوید (۱۳۸۴)، *مدل‌های دموکراسی*، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- Barbalet, Jack (2010), citizenship in Max Weber, *Journal of classical sociology*, 10: 201-216.
- Coffe, Hilde & van der Lippe, Tanja (2009), citizenship norms in eastern Europe, Springer.
- Dalton, Russell (2006), citizenship norms and political participation in America: the good news is the bad news is wrong, center for the study of democracy, university of California.
- Denters, Bas & Gabriel, Oscar & Torcal, Mariano (2007), Norms of good citizenship, in J.W. Van Deth, J.R. Montero & A. Westholm, *Citizenship and involvement among the populations of European democracies, a comparative analysis*. London: Routledge.
- Faulkner, David (2003), *Taking Citizenship Seriously: Social Capital and Criminal Justice in a Changing World*, Criminal Justice, London: Sage.
- Hoskins, Bryony L. & Mascherini, Massimiliano (2009), Measuring Active Citizenship through the Development of a Composite Indicator, *Science & Business Media*: 90:459-488, Springer.
- Isin, Engin F. and Bryan S. Turner (eds.) (2003), *Handbook of Citizenship Studies*, London: Sage.
- Kisby, Ben (2009), Social capital and citizenship lessons in England: Analysing the presuppositions of citizenship education, *Education, Citizenship and Social Justice*: 4; 41, London: Sage.
- Knight, Kathleen & Harnish, Jason (2006), *Contemporary discourses of citizenship*, American educational research association, London: Sage.
- Kymlicka, Will & Norman, Wayne (2000), *Citizenship in Culturally Diverse Societies: Issues, Contexts, Concepts*, Publisher: Oxford Scholarship Online Monographs.
- Katzian, Peter (2009), Norms of citizenship (Their patterns, determinants, and effects in a cross-national perspective), university of Darmstadt, institute of political science.
- Marshall, Gordon (1998), Oxford, Dictionary of sociology, Oxford university press, second edition.
- Perczynski, Piotr (1999), *Citizenship and Associative Democracy*, To be presented at: European Consortium of Political Research Annual Joint Sessions Mannheim, Germany.
- Roßteutscher, Sigrid (2010), Social Capital Worldwide: Potential for Democratization or Stabilizer of Authoritarian Rule? *American Behavioral Scientist*, 53; 737 London: Sage.

- Sassen, Saskia (2002), *Towards Post-National and Denationalized Citizenship*, New York: Columbia University Press.
- Sciortino, Giuseppe (2010), A single societal community with full citizenship for all: Talcott Parsons, citizenship and modern society, *Jurnal of classical sociology*, 10: 239_258, London: Sage.
- Stevenson, nick (2003), *cultural citizenship, cosmopolitan questions*, England, Berkshire, open university press.
- Turner, Bryan S. (1993), *Citizenship And Social Theory*, London: sage.
- Turner, Bryan S. (1990), *Outline of a Theory of Citizenship* in Bryan Turner and Peter Hamilton (eds.) *Citizenship. Critical Concepts*. 1994. London: Routled.
- van Deth, Jan W.& Zmerli, Sonja (2010), Introduction: Civicness, Equality, and Democracy_A "Dark Side" of Social Capital? *American Behavioral Scientist*, 53; 631 London: Sage.
- Weber, max (1981), *General economic history*, NJ: Transaction.
- Zmerli, Sonja (2010), social capital and norms of citizenship: an ambiguous relationship?, *American behavioral scientist*, 53, 657, London: Sage.

